

«لارک» نمی تواند جای «خارک» را بگیرد



دوشنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۵ برابر ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۶
 بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۱۵

تیرس موایمهای عراقی به دور است. اما مساله اصلی این است که چگونه می خواهند به این ترمینال تازه نفت برسانند. در حالی که پروژه احداث خط لوله برای رساندن نفت به لارک به دلیل فقدان بودجه و امکانات فنی فقط روی کاغذ باقی مانده است، لارک در واقع یک سیری دوم است. در مورد جزیره سیری مشکلی که بروز کرد مشکل مجهز و مکفی نبودن ترمینال نفتی آن نبود. مشکل نحوه انتقال نفت به این جزیره بود. این مشکل عیناً در مورد لارک نیز صادق است. بنابراین چرا جمهوری اسلامی از تاسیس ترمینال

در روز ۱ تیر روزنامه های رژیم پاتیتدرشتی در صفحه اول خود اعلام کردند: «بهره برداری از ترمینال نفتی جزیره لارک آغاز شد.» و در زیر این تیتر نوشتند: «با به کارگیری این ترمینال، صدور نفت به دور از هر گونه خطر احتمالی انجام خواهد شد.» (اطلاعات - تیر).
 علی رغم این ادعا، واقعیت این است که تاسیس یک ترمینال نفتی در جزیره «لارک» مشکل رژیم در زمینه صدور نفت را حل نمی کند. جزیره لارک در جنوب بندرعباس و در فاصله ۲۵۰ کیلومتری شرق جزیره سیری واقع است. این جزیره در مجموع از

له دوان، هم‌رزم هوشی مین درگذشت

شداستعماری ویتنام شرکت جست و از ۱۹۲۸، در صفوف «اتحادیه جوانان انقلابی ویتنام» که توسط هوشی مین بنیان گذاشته شده بود، به مبارزه پرداخت. این اتحادیه، هسته اولیه حزب کمونیست هند و چین بود که در سال ۱۹۲۰ تشکیل شد. له دوان، از روز نخست موجودیت حزب، در آن بقیه در صفحه ۱

له دوان از رهبران برجسته جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، بدنبال یک بیماری سخت و طولانی، پنج شنبه گذشته در سن ۷۹ سالگی درگذشت. در ویتنام، به مناسبت این فقدان بزرگ، پنج روز عزای عمومی اعلام شد.
 له دوان در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۰۷ متولد شد. پدر وی یک نجار در استان کوانگ تری واقع در مرکز ویتنام بود. تمام زندگی له دوان وقف آزادی خلق ویتنام و ساختمان سوسیالیسم گردید. وی در حال جنبش، ۱۹۲۶



شواهر ۱۹۷۰، له دوان در میان مردم روستایی

سرنوشت مطالبات مالی ایران از فرانسه چه خواهد شد؟

هایهوی آشتی کتان بر سروصدای جمهوری اسلامی و دولت فرانسه اینک آرام گرفته است و اکنون این دو دولت بر زمینه مساعدی که بایند و بیست های اولیه فرام آورده اند، به دور از سر و صداهای «اضافی» مذاکره برای حل و فصل مسائل اصلی را پی گرفته اند. از جمله این مسائل قضیه وام مشهور ایران به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه است. سرنوشت این وام چه شده و داستان آن اکنون به کجا رسیده است؟

طلب ایران از کمیساریای انرژی اتمی فرانسه پادآوری اتاق بازرگانی بین المللی در پاریس تعیین شود. از پیش می توان دریافت که نتیجه این داوری چگونه خواهد بود. برای این بخش از سرمایه های مردم همان سراجامی را تدارک دیده اند که برای ۱۴ میلیارد دلار اموال بلوکه شده ایران توسط دولت آمریکا تدارک دیده بودند.

ما سال گذشته در شماره ۲۰ اردیبهشت نشریه در مورد این وام چنین پیش بینی کرده بودیم: «اکنون سرنوشت این رقم هنگفت از مطالبات خارجی دولت ایران بایند و بیست های سیاسی میان رژیم جمهوری اسلامی ایران و امپریالیست های فرانسوی گره خورده است. دولت ایران به مثابه گامی در همین راستا و به منظور جلب غنایات انحصارات فرانسوی پذیرفته است که سرنوشت یک میلیارد دلار

این پیش بینی اکنون تحقق یافته است. دولت خیانت پیشه جمهوری اسلامی برای جلب رضایت دولت فرانسه به منظور پایمال شدن حق آشکار مردم محروم ایران پذیرفته است که از طریق گامهای زیر، قضیه بازپرداخت وام به دست فراموشی سپرده شود:
 ۱ - مبلغ واقعی این وام چقدر است؟ اصل وام یک میلیارد دلار است. اما اکنون بیش از ۱۱ سال از زمان دادن این وام می گذرد. بهره آن بقیه در صفحه ۲

ددمنشی بی حد و مرز

* پاسداران اهزای از تهران در یکی از روستاهای اطراف گیلان به روستایی را از جمع اهالی این روستا بیرون کشیده و در جلوی چشم همه، آنان را به چرم عدم همکاری با ساواک رژیم، به گلوله پسته و به لقتل رساندند.
 استان گیلان در طول سال گذشته شاهد حرکات مبارزاتی عدیده ای از سوی زحمتکشان علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. کارگران این استان در جهت دستیابی به مطالبات خویش و علیه جنگ و رژیم به دفعات به حرکات اعتصابی و اعتراضی دست زدند. ماهیکیران و دهقانان زحمتکش، کارمندان و دانش آموزان و... هیچ فرصتی را برای احقاق حقوق خود از دست ندادند. مادر طول یکسال اخیر موارد متعددی از این حرکات مبارزاتی را بازنتاب داده ایم.
 بقیه در صفحه ۱

جنبش کارگری در ایران مقاومت می کند

تایستان همان سال کارکنان شرکت ساسان دست به اعتصاب زدند که منجر به دخالت خشن ارگانهای سرکوب رژیم گردید. اواخر سال ۸۴ و ظرف روزهای نخست سال ۸۵ بزرگترین اعتصاب تاکنون، در مجتمع ذوب آهن اصفهان صورت گرفت که پانزده هزار کارگر و کارمند در آن شرکت کردند. کارگران صنعتی پیگیرترین بخش طبقه کارگر ایران در جنبش اعتراضی هستند. آنها ضمن مبارزه علیه عدم امنیت اجتماعی، کاهش حقوق و دستمزدها، تعطیل کارخانه ها و غیره که دارای خصلت اقتصادی می باشند، مبارزه خود را در عرصه سیاسی نیز گسترش می دهند.
 «راه و هدف» در ادامه مقاله خود نظری دارد به قانون کار در رژیم جمهوری اسلامی بویژه در ارتباط با وضعیت کارگران نوجوان و زنان کارگر. ارگان سیاسی و تئوریک حزب کمونیست اتریش در هنگام تشریح بقیه در صفحه ۲

«جنبش کارگری در ایران مقاومت می کند.» این، عنوان مقاله ای است که در شماره ژوئیه و اوت امسال نشریه «راه و هدف» ارگان تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتریش در توصیف وضعیت کنونی جنبش کارگری در ایران، به چاپ رسیده است.
 مقاله با طرح ممنوعیت برگزاری مراسم اول ماه مه در ایران آغاز می شود و سپس بر روی حرکت های اعتراضی مختلف کارگران ایران در دو سال اخیر متمرکز می گردد. در این قسمت «راه و هدف» می نویسد: «طی دو سال اخیر صدها حرکت اعتراضی به شکل اعتصاب، تحصن و اشغال بخش های مختلف کارخانه ها و موسسات تولیدی... از جانب کارگران ایران صورت گرفت. نخستین حرکت اعتراضی در آغاز جنبش اعتصابی اخیر، اعتصاب در کارخانه دخانیات ایران در اوایل سال ۱۹۸۴ بود. در

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

سرنوشت مطالبات مالی ایران از فرانسه چه خواهد شد؟

بقیه از صفحه اول

در طی این مدت چه میزان است؟ بر مبنای محاسبه‌ای که حتی در مطبوعات خود جمهوری اسلامی نیز انعکاس یافته است اکنون اصل و فرع وام برابر است با ۲ میلیارد دلار. اما جمهوری اسلامی تعدد سخنی از بهره این وام به میان نمی‌آورد. بنابراین در یک قلم قریب به یک میلیارد دلار از این وام پخشیده شده است.

۲ - جمهوری اسلامی پذیرفته است که این وام با دیگر اختلافات مالی بین جمهوری اسلامی و فرانسه یک کاسه شود، در حالتی که در اساس مستقل بوده و در قرارداد اولیه هیچ پیش شرطی برای باز پرداخت اصل و فرع آن منظور نشده است. در این زمینه کاردار سفارت فرانسه در تهران در مصاحبه‌ای با روزنامه رسالت در پاسخ به این سؤال که "آیا فرانسه متقابل ادعاهای مالی علیه ایران مطرح کرده است؟" تاکید نموده است: "بله، این مساله درست است و فرانسه ادعاهای مالی زیادی علیه ایران اقامه کرده است و کارشناسان ایرانی هم در جریان هستند و این ادعاهای مالی توسط موسسات و شرکتهای فرانسه در دادگاهها اقامه شده است." بنابراین قضیه به این صورت در آمده است؛ ایران در درجه اول باید به تعداد زیادی شرکتهای ریز و درشت فرانسوی بابت ضربه‌ای که انقلاب به آنها وارد ساخته خسارت بپردازد و آنگاه پای وام خود به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه را پیش بکشد. ژاک شیراک در این زمینه صریحاً گفته است: "برای رسیدن به یک نتیجه مشترک در مورد وام یک میلیارد دلاری، باید اسانامه‌ای تنظیم گردد و این اسانامه باید شامل تقاضاهای دولت فرانسه در مورد قراردادهای بزرگ این کشور پس از قطع روابط یک جانبه از طرف ایران نیز باشد." (اطلاعات - ۳ خرداد)، ما در این زمینه در شماره ۱۰۹ نشریه "اکثریت" به نقل از روزنامه فیکارو نوشته بودیم؛ شیراک گفته است در بررسی این مساله "باید خساراتی را که به موسسات فرانسوی به دنبال لغو برخی قراردادهای مهم وارد شده است نیز به حساب آورد." به نوشته فیکارو حل و فصل "خسارات موسسات فرانسوی" باید "توسط شستی با شرکت کارشناسان دو کشور صورت گیرد." ۲ - مرجع حقوقی برای رسیدگی به اختلافات مالی ایران و فرانسه

نقشی از يك جنایت

بقیه از صفحه آخر

لودیاناً و، تا سه روز بی آبی خود و فرزندش را تحمل کرد و وقتی به فکر جستجوی راه نجات افتاد که دیگر مستاصل و از نظر روانی بیمار شده بود. در این زمان او دیگر در برابر دستورات مرد و نض رساله آقا عصیان کرد و با سرو صدای دیگران را به کمک طلبید. در پی آن مأمورین پلیس مطلع شده و در ماجرا دخالت کردند. زن که از بروز این وضعیت، از نظاره‌گری چند روزه عطش فرزند دلپندش، از حبس دراز مدت، از چشیدن باور پشت امامش و از... روانش آزرده و آسیب دیده بود، در گریز از همه آن چه که بر او وارد داشته بودند، در خیابانها براه افتاد و با حرکات غریب به اینسو و آنسو می‌دید. گذر آسیمه‌سراو از خیابانهای لودیانا نمایش تصویر یک زن قربانی شده سیستم ولایت فقیه بود که جوانی، آزادی، سلامت جسمی و روانی و در یک کلام تمام زندگیش را از او ستانده بودند. مردی که خود را شهرومی نامید و عامل مستقیم این فاجعه بود. جز اجرای تعالیم امام عرفیته‌اش هیچ نکرده بود. مردم لودیانی‌ها هند در پی این رخداد آشکارتر از پیش دریافتند که باخینی و مریدانش بر زنان میهن ما و بر میهن ما چه کرده است.

«لارک» نمی‌تواند جای «خارک» را بگیرد

بقیه از صفحه اول

نامن می‌دانستند و از همین رو جمهوری اسلامی ناچار گشت برای این که مشتری هایش را از دست ندهد ترمینال نفتی لارک را با مخارج هنگفتی برای آنها مهیا سازد. جمهوری اسلامی همچنان ناچار است بابت انتقال نفت از خارک به سیری و لارک، بخشی از درآمد کاهش یابنده نفتی خود را یکسر به جیب بیمه لویدز بریزد و یا بعنوان اجاره بهای نفت کشتهای اجاره‌ای بپردازد. لارک مشکل رژیم را در امر صدور نفت حل نمی‌کند. تاسیس ترمینال نفتی در این جزیره تنها برای راضی نگه داشتن انحصارات نفتی صورت گرفته است.

ترتیب زیر برای مانوشته اند: کسی از اطرافیان "انجمن اسلامی" در هندوستان که در شهر لودیانا اقامت دارد. یکسال و نیم پیش بر خوردار از تسهیلات حکومتی به ایران رفت و در آنجا دخترک کم سن و سالی را بعنوان همسر با خود به هند آورد. این فرد مکتبی که متعهد و موظف به پایبندی به تمام احکام "رساله امام" و حفظ شئونات رژیم فقیه بود، از همان آغاز همسر نوجوانش را در خانه زندانی کرده و اجازه خروج از چار دیواری منزل نمی‌داد. وقتیکه این زن فرزند پدینیا آورد، نه تنها سرنوش او تغیییری نکرد بلکه مصیبت حبس ابدی شامل فرزند نوزادش نیز گشت. آن شخص هر بار که به مسافرت می‌رفت مختصر آذوقه‌ای برای زن و فرزندش در خانه می‌گذاشت تا می‌آید آنان خود برای تهیه مایحتاج به بیرون رفته و بانامحرم برخورد کنند. دو ماه قبل این شخص که ظاهراً دانشجویست برای خرید اجناس قاچاق از پاکستان، بمنظور فروش آن در هندوستان، به آن کشور مسافرت کرد. از سر حادثه پس از سفر او، آب منزل قلم شد و زن برای تهیه آب نمی‌توانست و اختیار نداشت که از خانه خارج شود. در هوای گرم شهر

نفتی در لارک بعنوان یک پیروزی نام می‌برد؟ این پیروزی در واقع بایستی به نام انحصارات نفتی و کمپانی‌های اجاره دهنده نفت کش به جمهوری اسلامی تلقی شود. آنها، حتی با نرخ بیمه‌های کم‌رشد نیز به سختی حاضر بودند در خارک نفت تحویل بگیرند. جمهوری اسلامی ناچار گشت محل تحویل نفت را از خارک به سیری منتقل سازد و خود تعدادی نفت کش برای انتقال نفت از خارک به سیری اجاره کند و بابت دیگر کشتی‌هایی که این مسیر را طی می‌کردند نرخ بیمه سنگینی بپردازد. انحصارات نفتی سیری را هم

"اتاق بازرگانی پاریس" تعیین شده است. وکیلی که در این مرجع حقوقی "منافع" ایران را پی می‌گیرد، یک وکیل آلمانی است به نام "واگنرورف". در قرارداد اولیه در مورد پرداخت یک میلیارد دلار وام به کمیساریای انرژی اتمی فرانسه بازپرداخت آن منوط به رفتن به یک دادگاه فرانسوی نشده است. یک کاسه کردن این وام با ادعاهای مالی فرانسه به ایران - امری که جمهوری اسلامی بر آن صحنه گذاشته - کار را به اینجا رسانده است. بنابراین بر سر وام همان خواهد آمد که در مورد دعوی مالی ایران علیه آمریکا در دیوان لاهه آمد.

۴ - فرض را بر این بگذاریم که بالاخره از اصل و فرع ۲ میلیارد دلاری چیزی که به ایران پرداخت شود. آیا این مبلغ نقد پرداخت خواهد شد؟ نه دولت فرانسه چنین تصمیمی دارد و نه دولت جمهوری اسلامی چنین خواستی. جمهوری اسلامی تجهیزات جنگی می‌خواهد و هر آن چیزی که بتواند در خدمت تداوم جنگ باشد، اختلافات درونی حاکمیت باعث شده است که گوشه‌های کوچکی از قراردادهای سری جمهوری اسلامی با فرانسه اینجا و آنجا بر ملا شود. یک نماینده مجلس در این زمینه گفته است: "مذاکرات مربوط به طلب بزرگ و مسلم جمهوری اسلامی از فرانسه، مانند سایر مسائل مهم کشور عملاً مخفیانه بوده و به کلی گویی‌هایی از طرف مقامات ایرانی اکتفا شده است." (اطلاعات - تیسر)

همین نماینده، که خود در زمینه مطالبات مالی ایران در مراجع حقوقی بین‌المللی دست آلوده‌ای دارد و چهره افشا شده‌ای است، برای نشان دادن کثافت کاریهای جناح مقابل خواستار آن گردیده است که در مورد "نحوه مصرف" این وام، مجلس در جریان گذاشته شود. بنابراین وام، پرداخت نشده کارش به مصرف رسیده است. جمهوری اسلامی می‌خواهد به حساب این وام بطور نسبی از فرانسه خرید کند. پرونده این خریدها نیز به دیگر پرونده‌های "اتاق بازرگانی پاریس" افزوده خواهد شد و دست آخر این جمهوری اسلامی است که با خیانت پیشکی تمام میلیونها دلار دیگر از ارز کشور را در جیب انحصارات فرانسوی سرازیر خواهد کرد.



جنبش کارگری در ایران مقاومت می کند

WEG-ZIEL 44. Jhg., Nr. 7/8, Juli/August 1986 Die Arbeiterbewegung im Iran leistet Widerstand

کارخانه ها و اخراج کارگران
- برقراری ارتباط بین کارگران
کارخانه های مختلف
- تبلیغ خواستها و انتشار اخبار
مبارزات کارگری در سطح ایران و در
خارج از کشور برای آگاهی افکار
عمومی بین المللی.
"راه و هدف" در پایان این
مقاله به اهمیت ابراز همبستگی
بین المللی با مبارزات طبقه کارگر
ایران تاکید کرده و در این زمینه
به تجربه ابراز همبستگی با کارگران
اقتصادی ذوب آهن اشاره می کند و
می نویسد: "حین این اعتصاب و نیز
پس از آن مطبوعات بین المللی
کمونیستی توسط فعالین سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) با
اخبار و گزارشهای متعددی تغذیه شدند و
کارزار تبلیغاتی گسترده ای در
پشتیبانی از این جنبش آغاز شد. به
دنبال این کارزار گسترده، در سراسر
جهان سازمانهای سندیکایی با سرازیر
کردن سیل پیام همبستگی با اعتصابیون
و محکوم ساختن رژیم خمینی، به
مقامات جمهوری اسلامی نشان دادند
که کارگران اصفهان تنها نیستند
و مبارزه آنان در سطح جهانی به دقت
پیکیری می شود."
"راه و هدف" در پایان
خواستهای مشترک همه پیامهای
همبستگی سازمانهای سندیکایی از
سراسر جهان را با طبقه کارگر و
زحمتکشان ایران در قطع فوری جنگ،
آزادی زندانیان سیاسی و قطع شکنجه
و اعدام برشمرده

یک واحد، اخراج شود یا خود از کار
کناره گیری نماید، از حقوق
بازنشستگی، بیمه و تأمینات اجتماعی
محروم می شود."
"راه و هدف" در ادامه مقاله
خود به وحشت رژیم خمینی از جنبش
کارگری و نقش خود ویژه سازمان
فدائیان خلق ایران در این جنبش
می پردازد و می نویسد: "بنا
بر رهنمودهای کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعضا
و هواداران سازمان پیش از هر چیز
موظفند در کارخانه ها به کار
سازماندهی و بسیج کارگران بپردازند
و برای وحدت عمل طبقه کارگر مبارزه
کنند. آنها در عرصه های زیر
نیروهایشان را به کار می اندازند:
- توسعه ارتباطات توده ای
بویژه در کارخانجات بزرگ و تحکیم
رابطه با کارگران صنعتی
- مبارزه در راه حفظ و تشکیل
سازمانهای صنفی مستقل
- مبارزه علیه تعلیل

می نویسد: "زنان ایران در محیط کار
به نحوی که به سختی قابل تصور است
تحت فشار قرار دارند و حقوق آنها
پایمال می شود. مساله حجاب که در
غرب پیش از هر چیز دیگر مورد توجه
افکار عمومی قرار گرفته است، تنها
بخش کوچکی از سرکوب سیستماتیزه
زنان ایران است. تضییق حقوق در
محیط کار و محیط خانواده، در قوانین
مربوط به تأمین اجتماعی، همگی
حلقه هایی از یک زنجیره ترور جسمی و
روانی زنان ایران است که به ابتکار
سردمداران تاریک اندیش رژیم
خمینی به کار گرفته شده است ... در
ایران امروز به زن مسروبه و سرگرد
بسیاری انجام کار مساوی و دستمزد
تعداد کم کودکان هادرمه (۷۵٪) واحد
صنعتی کشور رو به کاهش است. اکثر
زنان شاغل مجبورند فرزندانشان را در
خانه بگذارند و پانوشی و نگرانی به
سرکار بروند. اگر زنی پیش از سن ۵۵
سالگی و با کمتر از ده سال سابقه کار در

رضیعت نوجوانان کارگر در جمهوری
اسلامی به نقش ارزشمند تبلیغاتی
سازمان جوانان پیشگام در میان کارگران
جوان و نوجوان اشاره دارد و در
این زمینه می نویسد: "کمیته مرکزی
سازمان جوانان فدایی خلق ایران
(اکثریت) در ارگانهای تبلیغی خود
در رابطه با قانون کار رژیم به فعالین
و هواداران سازمان رهنمود می دهد
که از همه امکانات مخفی و علنی برای
مخالفت با این قانون استفاده کنند.
فعالین و هواداران جوانان فدایی از
کلاسهای سوادآموزی، تشکلهای
ورزشی، کلاسهای شبانه برای آموزش
بزرگسالان، در محله ها و کارخانه ها،
با استفاده از ارتباطات دوستانه در
محیط کار و نیز با روشهای کار مخفی،
اعتراض عمومی کارگران و زحمتکشان
علیه قانون کار ارتجاعی را سازمان
می دهند."
"راه و هدف" در زیر عنوان
"زنان ایران در محیط کار" در مورد
وضعیت زنان کارگر در ایران

رژیم خمینی از بازگشت

آوارگان افغانی جلوگیری می کند

خبرگزاری افغانی باختر طی
تفسیری می نویسد مقامات رژیم ایران
همه گونه مانع بر سر راه آن دسته از
افغانی هایی که مایل به بازگشت به
میهنشان هستند، ایجاد می کنند. این
خبرگزاری می افزاید طبق دستور العمل
دولت ایران، افغانی های مقیم ایران
از حق کار محروم شده و هیچ گونه
امکان امرار معاش ندارند.
خبرگزاری باختر خاطر نشان می سازد
این گونه اقدامات به منظور وادار
ساختن افغانی های مقیم ایران به
چنگیدن علیه خلق خود و یا تبدیل شدن
به گوشت دم توب در چپه جنگ ایران
و عراق انجام می گیرد. باختر
می نویسد واحدهای سپاه پاسداران و
سایر نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
علیه افغانی هایی که از اجرای
دستورهای مقامات رژیم سرباز
می زنند، اقدام می کنند.

جناپتهای رژیم صدام گفت ۶۱۰۰ زن
به دلیل مبارزات خود علیه جنگ و
رژیم عراق، در زندانها تحت
شکنجه های جسمی و روانی قرار دارند.

نمایندگان ایران و عراق در
پایان سخنان خود بر همبستگی خلقهای
دو کشور و بیکار آنان برای تحقق صلح
و دمکراسی تاکید ورزیدند.
نمایندگان زنان فلسطین،
ایرلند شمالی و آمریکا نیز هر یک در
سخنان خود نقش عظیم جنبش جهانی
دمکراتیک زنان در راستای پیروزی
آرمان صلح را خاطر نشان ساخته،
زویایی از چهره کریمه امپریالیسم و
ارتجاع را آشکار کردند.

در پایان این مراسم چند
روزه، شرکت کنندگان، با تحسین
فراوان، نمایندگان زنان را به میان
خود بردند و با دستهای خود زنجیر
انسانها را ساختند و آنگاه سرود
زیبای "ما خواهیم آمد ... و صلح
خواهیم آورد ... "طنین افکن گردید.

ما خواهیم آمد... و صلح خواهیم آورد

تیهکاری ها و تجاوزگریهای
امپریالیسم و ارتجاع پرداختند.

شرکت کنندگان ایرانی مراسم،
زنان فدایی در آلمان فدرال بودند که
با اعزام هیاتی، به نمایندگی از زنان
قهرمان ایران در آن حضور یافتند. در
این گردهمایی پیام زنان فدایی در
آلمان فدرال قرائت گردید و سخنگوی
هیئت اعزامی طی سه جلسه بحث و
گفتگو، ضمن اشاره به جنگ
خانمانسوزی که مبین ما را به کام
شعله های مرگبار خود فرو می کشد، با
شرکت کنندگان از دره و رنج بی گران
زن ایرانی سخن گفت.

نمایندگان زنان عراق نیز به
تشریح فجایع جنگ و درد و محرومیت
مردم عراق و بویژه زنان داغ دیده آن
کشور پرداخت. وی در اشاره به

پدنیال مصوبات کنفرانس
جهانی زنان در نیارویی که سال جاری
را سال زن و صلح نامید، از سوی زنان
ترکیخواه و صلحدوست جهان تلاشهای
مشترکی بمنظور گسترش جنبش صلح و
رساتر کردن فریاد آزادیخواهی زنان
ستمدیده کیتی صورت گرفت.

در همین راستا از روز ۱۴ تا ۲۲
ژوئن به ابتکار و با همکاری مشترک
سازمانهای زنان و جنبش صلح دو
"چادر صلح" در شهرهای اشتوتگارت و
هایل برون در آلمان فدرال بر پا
گردید. در این چادرها صحنه های پر
شوری از همبستگی و مبارزه زنان
بیشرو برای تحقق امر صلح و دمکراسی
به نمایش گذاشته شد.

در این مراسم نمایندگان زنان
فلسطین، ایرلند شمالی، آمریکا، عراق
و ایران شرکت جست به تشریح وضعیت
زنان وطن خویش و رژیم آنها علیه

میزان تلفات در عملیات مهران اعلام شد

در هفته گذشته محور اصلی جنگ در منطقه عملیاتی مهران قرار داشت. ستاد مشترک همه روزه اخباری دال بر حمله هوایی جمهوری اسلامی به مواضع عراق واقع در منطقه عملیاتی مهران را منتشر کرد. عملیات اخیر جمهوری اسلامی که طی مراحل چندی وزیر عنوان "کربلای ۱" انجام می‌شود، منجر به عقب راندن نیروهای ارتش عراق از منطقه مهران گردیده است. جمهوری اسلامی مدعی است که نیروهای نظامی ایران طی این عملیات موفق شده‌اند ۲۹۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را نیز اشغال کنند. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۵ تیرماه تعداد کشته شدگان و مجروحین عراقی را در جریان عملیات (کربلای ۱) - ۸۰۰۰ نفر اعلام کرده است. این در حالی است که عراق متقابلاً مدعی است که نیروهای ایرانی طی این عملیات ده هزار کشته و زخمی برجای

نهاده‌اند.

از سوی دیگر نیروی هوایی عراق طرف هفته گذشته به ۵ هدف دریائی و از جمله یک نفتکش بزرگ در حوالی آب‌های جزیره خارک حمله کرده است. خیر حمله هوایی عراق به یک نفتکش متعلق به مالت از سوی بیمه لویدز نیز تأیید شده است. نیروی دریایی جمهوری اسلامی نیز روز ۲۱ تیرماه اعلام کرد به تاسیسات تجسی و راداری عراق واقع در بندر الامیه حمله کرده است.

جمهوری اسلامی مدعی است که در اثر این حمله یک فروند جنگنده عراقی، و دوناوچه جنگی این کشور را منهدم ساخته است. در ضمن مرکز مخابرات بین‌المللی اس‌آباد که چهارشنبه ۱۱ تیرماه مورد حمله هوایی عراق قرار گرفته بود، پس از چند روز در این هفته مجدداً آغاز به کار کرد.

بازرسی کشتی‌های ماز آب‌های خلیج ادامه دارد

دریائی تأکید نموده است.

در بیانیه پایانی اجلاس گفته شده است که "دولتهای عضو شورا تدابیر لازم را برای حمایت از حقوق خود در زمینه امنیت و آزادی کشتیرانی اتخاذ خواهند کرد."

سختگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی متعاقب انتشار بیانیه فوق، مفاد آنرا از نظر جمهوری اسلامی فاقه ارزش اعلام کرد. باید افزود که جمهوری اسلامی گماکان به تجسس و بازرسی کشتی‌ها ادامه می‌دهد. رادیوی جمهوری اسلامی روز ۱۸ تیرماه اعلام کرد که نیروی دریائی تنها طرف یک روز (۱۷ تیرماه) به بازرسی و تجسس ۱۵ کشتی تجاری مبادرت ورزیده است.

کیهان ۱۰ تیرماه گزارش کرد که اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج در طائف برگزار شده بود، به کار خود پایان داد. یکی از محورهای اصلی اجلاس اخیر شورای همکاری خلیج که در بیانیه پایانی این نشست نیز انعکاس یافته است، مسئله بازرسی کشتی‌های بازرگانی و حمله نظامی به آنها از سوی جمهوری اسلامی می‌باشد. اجلاس اخیر وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج "حملات اخیر هواپیماهای نظامی ایران به کشتی‌های تجاری در آبهای بی‌طرف خلیج" را محکوم کرده و بر ضرورت رعایت مفاد قطعنامه‌های ۵۴۰ و ۵۵۲ مورخ ۱۹۸۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره آزادی کشتیرانی در خطوط

در راستای تبدیل سپاه به ارتش

است. افزایش توان رزمی سپاه به چند برابر توان قبل، به معنای اختصاص بخش وسیع و عمده جنگ افزارها و تجهیزات نظامی به سپاه است.

رفیق‌دوست ضمن تأکید بر تقویت سپاه، در بیان نگرانی از تشتت درون سپاه از نیروهای این ارگان سرکوب خواست تا از گروه‌گرایی بپرهیزند. وی "انسجام کلیه برادران در سپاه" را شرط قدرت بیشتر این ارگان دانست.

محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه اعلام کرد که بر اساس دستورالعمل صادره به وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواسته شده است که توان رزمی سپاه تا چند برابر افزایش یابد. این دستورالعمل بخشی از تمهیدات رژیم برای تبدیل سپاه به یک ارتش منظم دارای نیروهای زمینی، دریائی و هوائی است که بدنبال حکم خمینی در شهریور ماه سال گذشته، با شتاب بی‌گرفته شده است. پیشتر این طرح نگرانی و نارضایتی زیادی در میان پرسنل ارتش ایجاد کرده

۱/۵ میلیون قبض جریمه سهم رانندگان تهرانی



مامور است و معذور به او دستور داده‌اند که بهر بهانه‌ای که شده است، از فضای بیمار ترافیک تهران "شکار" خود را بکنند. بنا به گزارش روزنامه اطلاعات مورخ ۱۴ تیرماه، همراه به طور متوسط ۱۲ هزار قبض جریمه برای رانندگان تهرانی صادر می‌شود. تعداد قبوض جریمه طی سال بالغ بر ۱/۵۶ میلیون می‌شود که از پایت این اوراق جریمه، ۲۴۰۰ میلیون ریال رانندگان تهرانی را می‌چاپند. دولت اخیراً برای افزایش درآمدهای خود از طریق افزودن بر عوارض و مالیات، از جمله به نصاب پارکومتر در سطح شهرهای بزرگ اقدام کرده است. باید افزود که نرخ پارکومترها نیز دوبرابر شده است.

کاهش مجدد بهای نفت

آقای‌زاده وزیر نفت طی مصاحبه‌ای با تلویزیون یوگسلاوی، تصویری از اوضاع اقتصادی کشور را پس از کاهش قیمت نفت ارائه کرد و وی که بمنظور شرکت در اجلاس اوپک در جزیره بریونی واقع در کشور یوگسلاوی برمی‌گردد، در این مصاحبه اعلام کرد که جمهوری اسلامی در سال جاری حداقل به ۷ میلیارد دلار میزان ارز پیش‌بینی شده در بودجه ارزی دست نخواهد یافت. این در حالی است که دیگر مسئولین رژیم کاهش درآمد ارزی را میلیاردها دلار پیش از این اعلام کرده‌اند. وزیر نفت در مصاحبه تلویزیونی خود افزود که میزان ارز تحصیلی تماماً مصروف جنگ و واردات چند قلم کالای اساسی خواهد شد. وی فاش ساخت که سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمده "اچپارا" قطع شده است.

آقای‌زاده پس از مراجعت به تهران طی یک مصاحبه تلویزیونی، اعلام کرد که بدنبال شکست اجلاس ۷۸ اوپک، قرار برگزاری اجلاس فوق‌العاده اوپک در ماه آینده صادر شده است.

از سوی دیگر قیمت نفت در بازارهای جهان مداوماً کاهش می‌یابد. بهای نفت در بازار نیویورک به شش‌ای معادل ۱۱/۲۷ دلار تنزل کرده است. این بدین معنا خواهد بود که بهای نفت صادراتی اوپک به زیر ۱۰ دلار برای هر بشکه کاهش یافته باشد.

گامی تازه

در تشدید درگیری‌های حکومتی

رادیوی جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۱۸ تیرماه اعلام کرد که ۱۲۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با امضای متنی خواستار آن شدند که موضوع کمیسیون بیانیه الجزایر و دعوی حقوقی و مالی ایران و آمریکا در دیوان داور لاهه در دستور کار مجلس قرار گیرد. گنجائیدن امضای ۱۲۰ نماینده مجلس زیر این تقاضا پیروزی بزرگی برای جناح مخالف موسوی نخست‌وزیر، به حساب می‌آید. طرح این درخواست کام دیگری است که در درگیری میان جناحهای حکومتی برداشته می‌شود. پیش از این دولت موسوی به تقاضاهای مشابهی در این زمینه کردن ننهاد و حاضر نگردیده بود، پرونده بیانیه الجزایر در مجلس بررسی شود. آنها یسددت نگران برملاشدن پندو پست‌های صورت گرفته با آمریکاها در دیوان داور لاهه هستند. جناح مخالف موسوی نیز با طرح این تقاضا قصد تضعیف موقعیت موسوی و گرفتن امتیازات بیشتری را دارد. هنوز معلوم نیست که موسوی در برابر این خواسته چه واکنشی نشان خواهد داد.

جمهوری اسلامی ضیاء الحق

الگوی برای جمهوری اسلامی خمینی

جعفری وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی در آخرین روز سمینار شورای هماهنگی انجمن‌های اسلامی بانکهای کشور" ضمن اشاره به کاهش درآمد ارزی بقیه در صفحه ۹

تحصن ۷۰ نفر از کارگران

ریسندگی اراک

از چند ماه پیش، کارگران کارخانه ریسندگی و موکت بافی شهرستان اراک با مدیریت کارخانه پرس برداخت حقوق معوقه و دیگر مطالبات خود درگیری داشتند. آنان هر بار که به مدیریت مراجعه می کردند، انجام خواسته های آنان به بهبود وضع تولیدی و مالی کارخانه موکول می شد. اما با گذشت مدتی نه تنها وضع کارخانه بهتر نشد بلکه چند قسمت مهم تولیدی نیز به علت نبود مواد اولیه از کار افتاد. شدت افلاس مالی کارخانه به جایی رسید که مسئولین تصمیم گرفتند حتی خانه های سازمانی را که به کارگران فروخته بودند از آن ها پس گرفته و در بازار آزاد بفروشند.

این اقدامات موجب گردید که کارگران برای مقابله با آن دست به حرکت وسیع اعتراضی بزنند. مدیریت که قادر به مقابله با کارگران نبود به سپاه متوسل شد. سپاه پاسداران نیز برای سرکوب کارگران و جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات آنان، پس از برقراری حکومت نظامی در کارخانه ۳۰ تن از کارگران را به اتهام "سازماندهی اعتراضات" دستگیر کرد.

به دنبال این عمل سپاه، کارگران تصمیم گرفتند دسته جمعی در مقابل دادستانی اراک دست به تحصن زده، مسئولین را وادار به آزادی دستگیر شدگان سازند. در این تحصن ۷۰ تن از کارگران کارخانه ریسندگی و موکت بافی اراک شرکت داشتند.

چهارمین کاروان "لبیک با امام" چگونه راه اندازی شد؟

کارگران داوطلب اعزام به جبهه آماده کنند و موقتاً لباس سیخ را بپوشند. پاسداران به کارگران گفتند که آنان به عنوان مشایخت کنندگان چهارمین کاروان "لبیک با امام" در پیاده روی محل راهپیمایی حاضر و ناظر خواهند بود و کارگران تنها پس از پایان کار گروه فیلمبرداری تلویزیونی اجازه دارند محل را ترک گفته و راهی خانه هایشان شوند. سپاه با این تهدیدات توانست این راهپیمایی را برپا کند و روز بعد در روز ۲۷ خرداد، تلویزیون این نمایش را با عنوان اعزام داوطلبانه چهارمین کاروان "لبیک با امام" را به نمایش گذاشت. کارگران این کارخانه که بیننده این نمایش دروغین از صفحه تلویزیون بودند، بعین درماندگی و دروغ پردازی رژیم ولایت فقیه را دریافتند.

رژیم برای نمایش و تبلیغات جنگ و انتساب آن به مردم به ترفندهای مختلف دست می زند. مسئولین حکومتی، دانش آموزان، کارمندان، کارگران و... را وادار می کنند که لباس نظامی پوشیده و در خیابانها رژه بروند. سپاه پاسداران برای کشاندن آنان به خیابان و عده حقوق و تسهیلات کاری می دهد و زمانی که این عوام فریبی ها موثر نمی افتد دست به اراغاب و تهدید می زند. در کارخانه ها با کارگران به همین شیوه برخورد می کنند. به عنوان نمونه در کارخانه کج تهران به کارگران گفته بودند چنانچه در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) با لباس سیخ راهپیمایی کنند، ۱۶ ساعت اضافه کار خواهند گرفت. روز ۲۶ خرداد نیز پاسداران به این کارخانه مراجعه کرده و از کارگران خواستند که خود را برای رژه نظامی و نمایش کاروان

تصرف زمین دهقانان توسط زمینداران

جعل سند و به ثبت رساندن مالکیت زمین ها به نام خود، حق قانونی دهقانان را باطل سازند.

بعد از انقلاب دهقانان دوباره این زمین ها را در اختیار گرفتند. اما چندی نگذشت که زمین داران از راه رسیده و ادعای خود را از نو آغاز کردند. پس از کشمکش های زیاد آنان حکم اخراج دهقانان را گرفته و در پناه اسلحه ژاندارمری یکبار دیگر زمین ها را به تصرف درآوردند. اکنون سند مالکیت در دست دهقانان و زمین در تصرف زمین داران است و شکایات دهقانان به مقامات دولتی نیز کوچکترین نتیجه ای بیار نیاورده است.

در منطقه کهمیره سرخی شیراز سه تن از زمینداران با حمایت ژاندارمری زمین های ۱۲ خانوار از ساکنین روستاهای ماصرم سفلی و علیا و ده سر را متصرف شدند.

این زمین ها از سال ۴۲ به بعد به صورت مشاع در اختیار ۱۳ نفر از دهقانان روستاهای یاد شده قرار داشته و مالکیت آنان رسماً به ثبت رسیده بود. اما سه تن از مالکین منطقه از همان موقع به این زمین ها چشم داشتند و بر آن بودند که آن ها را از چنگ دهقانان در بیاورند. زمینداران، با نفوذی که در اداره ثبت اسناد و دیگر ادارات دولتی داشتند، توانستند با

مشکل کاغذ در سطح کشور

بحران اقتصادی دامنگیر جمهوری اسلامی و نداشتن ارز برای ورود کالا و یا مواد اولیه و واسطه ای برای به چرخش در آوردن چرخ تولید در کارخانه ها، اینک کمبود کالایطور عموم را به ساله ای حاد بدل کرده است. در این میان کمبود و به بیان درست تر نبود کاغذ بسیار چشمگیر است. در زیر نمونه هایی از این پدیده رابه اطلاع می رسانیم:

* هریک از ادارات و ارگانهای رژیم بروشورهای تبلیغی و مجلات متعددی را بچاپ می رسانند. در این زمینه رقابتی نیز بین آنان بر سر تعداد این نشریات وجود داشت. کمبود کاغذ بسیاری از این نشریات را اجباراً به تعطیلی کشانده است. ضمیمه های فرهنگی و اقتصادی روزنامه های یومیه نیز با تعطیل شده اند و بایرایی اجتناب از چاپ به تعداد تیراژ روزنامه، بطور مجزا به چاپ رسانده می شوند. از تعداد صفحات روزنامه های رسمی نیز کاسته شده و در نظر است بازهم کمتر گردد. انتشار بسیاری از جنگ ها و هفته نامه ها نیز متوقف گردیده است.

* به دنبال تشدید بحران ارزی، اقتصاددانان رژیم تصمیم گرفتند که هر چیز که امکان دارد حتی مایحتاج مردم نیز صادر بشود تا بتوان ارز بدست آورد. به همین دلیل برخی از تجار و میدانداران تصمیم به صدور سیب گرفتند اما بدلیل نبود کارتین برای بسته بندی، سیب ها روی دستشان ماند. اداره توسعه صادرات وزارت بازرگانی اکنون مانده است که از چه راهی کارتن های مورد نیاز این "تجار محترم" را تأمین کند.

وضعیت بگونه ای است که حتی کارتهای دارندگان حساب در بانکها نیز از دوسو مورد استفاده قرار می گیرند و هر سوی آن به یک مشتری تعلق دارد که این خود مشکلات متعدد بایکانی و غیره را نیز بوجود آورده است.

* نوشت افزار به شکل وحشتناکی گران شده است. یک دفترچه صدفی حتی بیش از ۵۰ تومان نیز بفروش رسیده می شود.

* در طول هفته و بویژه روزهای پنجشنبه دارندگان مشاغلی چون سبزی فروشی که به کاغذ روزنامه احتیاج دارند به خانه ها برای خرید روزنامه هجوم می آورند. با پیدا شدن محل مصرف تازه برای کاغذ باطله روزنامه های رژیم بالاخره صاحب ارزش گشته اند!

* اگر پولی موجود باشد و کسی بخواهد با قیمت های سرسام آور میوه ای بخرد تازه با مشکل حمل میوه مواجه خواهد شد. کیسه های پلاستیک که از مدت ها پیش نایاب شده اند. پاکت نیز مطلقاً یافت نمی شود. روزنامه ها توصیه کرده اند که از زنبیل استفاده شود و یا با دستمال های بزرگ برای خرید میوه مراجعه شود.

* چویدارانی که احشام خود را برای فروش به تهران می آورند برای تغذیه گوسفندان شان هیچگونه علوفه ای نمی یابند آنان تا زمانی که این احشام را به کشتارگاه برسانند مراکز انباشت زباله را به دنبال هر آنچیزی که قابل خوردن بز و گوسفند باشد، می کاوند. آنان اکنون پارچه های دیگری روبرو هستند که زباله ها را در جستجوی کاغذهای باطله ای که دیگر بهادار شده است، زیر و رو می کنند. جستجوگران تازه کاغذ باطله ها را برای بسته بندی میوه و مواد غذایی تحویل میوه فروشی ها و خواربارفروشی ها می دهند. بسته بندی مواد غذایی توسط کاغذهای بیرون کشیده شده از زباله ها، بهداشت عمومی را دچار مخاطره شدید کرده است.

* بخشنامه های دولتی، ابلاغیه ها، احکام صادره برای اشخاص و... بر روی کاغذهایی نوشته می شوند که قبلاً یک طرف آن استفاده شده است. گاه اتفاق می افتد که شخص دریافت کننده نامه در حله اول نمی داند کدام سمت نامه مورد نظر است.

اجتناب ناپذیر است. از این رو وی معتقد بود هر انتقاد کننده، باید وضعیت حزب را در میان دشمنانی که احاطه اش کرده اند، در نظر گیرد. اما این، مسئله ای است که به شکل انتقاد و اجتناب از افراط در فرمولبندی مربوط است. محتوای انتقاد امر دیگری است. هیچگاه و هرگز حملات مخالفان نتوانسته و نمی‌تواند کمونیستها را وادار سازد تا به ضرر خود، از تحلیل سازمان یافته، همه‌جانبه و انتقادی دستاوردها و مسائل حل‌نشده خود چشم ببوشند. شرکت مستقیم در فعالیت موسسات دولتی و حزب به کمونیستها اجازه می‌دهد در عمل اشتباهات را بر طرف ساخته و به انتقاد، محتوایی واقعی و اثر بخش بدهند.

طبیعی است که انتقاد از یک فرد نه تنها برای وی، بلکه برای خود انتقاد کننده نیز دشوار است. فرهنگ انتقاد و فرهنگ واکنش نسبت به انتقاد، چه در کار روزمره و چه در مطبوعات، چیزی نیست که هر کس از آن از ابتدا برخوردار باشد. این مهم است که فرد، خود این توانایی را کسب کند که مرزها را رعایت نماید، بر تله‌ی انتقاد با انتخاب شکل موهن، نیافزاید، و از وسوسه جریحه‌دار کردن هر چه دردناک‌تر شخصیت فرد مورد انتقاد پرهیز کند. هرگاه انتقاد به نمایندگی منفی شخصی نسبت به یک فرد آغشته شود، به سختی می‌توان از اصولی بودن آن سخن گفت؛ زیرا در این صورت، خصلت اجتماعی آن محو می‌شود. نیش‌زدها، اشارات زهرآلود به چیزهایی که هیچ‌کس نمی‌داند، و برچسب زدها، تنها فضای جمیع را مسموم می‌کنند.

نفی سازنده

هر انتقاد، باید در نهایت سازنده باشد، هر چند انتقاد ضرورتاً حاوی عنصر نفی کننده است (نفی احکام و نظرات دیگران). شرط لازم رشد و به کرسی نشاندن اندیشه‌های نوین و پیشرفت در کار مشترک است. اجتناب از نفی "بی‌هدف" و بدون جستجوی فعال راه حل بهتر، و در پیش گرفتن چنان "نفی" ای است که هدف نوسازی و ارائه جایگزین را دنبال کند.

انتقاد مشخص، که در آن نفی و اثبات در وحدتی دیالکتیک بهم آمیخته‌اند و به برکت این وحدت، میدان نوینی فرا راه اندیشه جستجوگر می‌گشاید، همواره نزد افکار عمومی موفق‌تر است. اما هرکس که در همه موارد دنبال آن باشد که قبل از هر چیزی بدون فکر کردن، با ابراز تردید و مخالفت و واکنش نشان دهد، از حمایت کسی برخوردار نخواهد شد. منقذ اینگونه افراد را اغلب می‌توان به راحتی دریافت؛ هرگاه اندیشه‌ای پذیرفته شود، باید آستین بالا زد و به تحقق آن پرداخت. اما اگر موفق شوند آن را دفن کنند، نیازی به انجام کاری نخواهد بود. خصلت سازنده انتقاد به هیچ عنوان بدان معنا نیست که برای هر چیز، پاسخ آماده‌ای موجود باشد. در بررسی یک مسئله نو و پیچیده، هرکس نمی‌تواند بلافاصله همه جوانب را در نظر آورد. هیچیک از ما نمی‌تواند مدعی انحصار حقیقت در همه ابعاد آن باشد. ممکن است فردی، وسایل بر طرف کردن یک نارسایی را نیبند. اما اگر نارسایی را ببیند، حق دارد درباره آن با صدای بلند و به روشنی سخن بگوید.

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، نمونه موفق و درخشانی از "انتقاد و انتقاد از خود" کمونیستی را که سلاحی برای طبقه کارگر در مبارزه اش به خاطر دگرگونی جامعه است، به نمایش گذاشت. انتقاد و انتقاد از خود، موضوع مقاله ای است که نیکلای پروشونین، دانشمند شوروی تحت عنوان فوق نوشته است. کوتاه شده ترجمه این مقاله را از ماهنامه "سویالیسم؛ تئوری و پراتیک" می‌آوریم.

چرا کمونیست‌ها به نقادی نیاز دارند؟

سر اصول، و میانی نیست. اگر این درست باشد که حقیقت در جدل زاده می‌شود، آن جدلی میان دوستان است که در مسائل پایه‌ای، مواضع یکسانی دارند. بحث شریکش، دقیقاً بر زمینه‌ای از اشتراک اصول اولیه و موضع یکسان در قبال اندیشه‌های بنیادین امکان پذیر است. در این صورت است که به گفته لنین، مباحثات جالب و مهمند، درست از آن رو که زمینه بحث را وفاداری بی‌خدا به سویالیسم تشکیل می‌دهد. بحث، وقتی میان افراد تضادی آشتی ناپذیر وجود داشته باشد، بیهوده است.

اما وحدت در اصل، تنوع عقاید و حتی نظرات کاملاً متضاد در باره یک موضوع را منتفی نمی‌کند. بحث را باید همانگونه که هست دید و از محدود کردن خود در چارچوب تنگ "عقل سلیم"، که به قول کارل مارکس "هر جا موفق شود اختلاف را ببیند وحدت را نمی‌بیند و هر جا وحدت را می‌بیند اختلاف از دیده اش پنهان می‌ماند"، اجتناب ورزید. شرکت کنندگان در یک بحث، توجه خود را بر نکات ناروشن و مورد اختلاف متمرکز می‌کنند. آنها می‌کشند آنچه را نادرست می‌دانند رد کنند و درستی نظر خود را در باره پدیده‌های نوین واقعیت و روندهای واقعی زندگی اجتماعی به اثبات برسانند. این امر نه به جمع تریابی لبه می‌زند و نه به وحدت ایدئولوژیک، بلکه بر عکس، آن را تقویت کرده و تفکر فعال و خلاق را شکل می‌دهد. انسانها در موفقیت یک کار اشتراک منافع دارند، اما همگی در باره راهها و وسایل حل یک مسئله میروم، به یکسان نمی‌اندیشند. آنها می‌کشند پاسخهای ضروری و بهترین شیوه‌های عمل را بیابند. این است بحث و جدل رفیقانه...

حزب با وفاداری به آموزه‌های رهبران بزرگ طبقه کارگر، اکیدا به این قاعده پایبند است که کمونیستها حق طفره رفتن از انتقاد و انتقاد از خود مشخص را تنها به این دلیل که مخالفان ایدئولوژیک ما می‌توانند از آن خوشحال شوند، ندارند. مارکس و انگلس البته می‌دیدند که دشمنان طبقاتی، انتقاد کمونیستها از یکدیگر را با خوشحالی علیه سویالیسم مورد سوء استفاده قرار می‌دادند، اما از این امر، شیخ وحشتناکی نمی‌ساختند، بلکه تاکید می‌کردند نباید به علت افسانه‌سرای‌های مطبوعات بورژوازی درباره انتقاد از خود انقلابیون، از کار خود دست کشید.

لنین نیز به خوبی می‌دانست که این عوارض جنبی منفی، وقتی حزب علناً به اشتباهات خود و دشواریها و مسایل پیچیده ناشی از آن بپردازد،

زندگی جامعه سویالیستی، بهشت برین نیست. در آن، مسائل و دشواریهایی بروز می‌کنند که برای آنها نسخه‌های آماده‌ای وجود ندارد. برای حل این مسائل، تحلیل‌ها، اندیشیدن‌ها، تبادل نظرها و مباحث مشخص ضروری است. البته بحث در فضای اجتماعی قرن‌دین شده‌ای که فارغ از هرگونه احساسات باشد، انجام نمی‌گیرد. هرگاه در تاریخ خلقی، دگرگونیهای مهمی در جهت منافع حیاتی خلق صورت پذیرند و چرخش مهمی در جریان باشد، "حرارت" جامعه نیز بالا می‌رود، روحیه خلق انسانها ارتقا می‌یابد، طرز فکر آنها نو می‌شود و توجه مردم به مسائلی جلب می‌گردد که پرداختن بدانها، به هیچ وجه نمی‌تواند به دور از احساسات و همراه با بی تفاوتی باشد. امروز نیز "نو" در جدالی سخت با "کهنه" زاده می‌شود و تثبیت می‌گردد، در جدال با عنصری که معمولاً سخت جان است. ولادیمیر ایلیچ لنین با صراحت خواستار بحث و جدل آشکار و پر شور به منظور دستیابی به عقاید مستحکم و روشن بود. وی اکیدا با پر حرفی‌های بی‌مایه مخالفت می‌ورزید و می‌گفت این گونه بحث، نه از آن رو که مسئله مورد اختلاف حل می‌شود، بلکه تنها به علت آنکه افراد از عرف زدن خسته می‌شوند، خاتمه می‌یابد.

حاصلات در بحث میان دوستان زاده می‌شود

هر کس معتقد باشد انتقاد و جدل دوستانه باید هدف دستیابی به اشتراک در برداشت از مسائل و حصول توافق را دنبال کند، به خطا رفته است... ممکن است این نتیجه گیری ظاهر ادلسند به نظر آید، اما واقعیت را بهتر از آنچه هست نشان می‌دهد. انسان‌ها معمولاً علیه چیزی موضع می‌گیرند که با آن موافق نیستند. نه یکنواختی اندیشه‌ها، بلکه برخورد آرا گوناگون در باره مسئله مربوطه است که به تحلیل همه جانبه و اتخاذ تصمیمات درست کمک می‌کند. تنزل دادن یک بحث به سطحی که در آن تنها نظرات یکسان ابراز شوند، به معنای تبدیل آن به کپ زدن در یک میهمانی است. فایده چنین گفتگویی چیست؟ مبادله واقعا مشخص و شریکش نظرات، مستلزم غنا بخشیدن متقابل به اندیشه‌ها و شناخت هاست.

بحث در مواردی لازم می‌آید که عقاید به هم بر می‌خورند و در پرداختن به این یا آن مسئله، عدم اشتراک پدید می‌آید. اما این، به معنای اختلاف بر

هنر نقاشی در ایران همانند دیگر عرصه‌های هنر، هرگاه نخواستہ است خود را بسا فرمانروایان زمان و اهداف آن‌ها منطبق سازد، دچار بی‌مهری، خشم، کین‌توزی و سرکوب شده است. دستگاه‌های حکومتی در ایران از آنجایی که چپاول مردم را در فضایی خفه و ناآگاه در دستور کار خود داشته و دارند، همواره ستیز دائمی را با هنرمند جانبدار و هنر اصیل به پیش برده و می‌برند. در ادامه سیاست حکومت قبلی مبنی بر زدودن نقش هنر انقلابی، حکومت فعلی، تلاش‌های مذبح‌خانه‌ای راه کار می‌گیرد تا بلکه خُزف را جانشین لعل کرده نقاشی پرتپش و زنده نقاشان مردمی را تا سر حد امکان منزوی سازد. قیضه همه امکانات عرضه هنری از چاپخانه‌ها تا نمایشگاه‌ها توسط حکومت کار را به جایی کشانده است که تنفس‌گامی برای ارائه آثار نقاشی توسط نقاشان مردمی باقی نمانده است. دیگر مدتها از پاک کردن تصاویری که با پدیدایش انقلاب بر دیوارها و چشم اندازهای همگانی نقش بسته بودند، می‌گذرد و به جای آن‌ها قیافه‌ها و هیاکل نثر اشدیده و نخر اشدیده مشتکی آخوند که بعضی وقت‌ها هم مثل ستارگان سینمایی ژست می‌گیرند، در چنین جاهایی نمایان شده و می‌شود. کالری‌ها و نمایشگاه‌ها در بست در اختیار نودولتانی است که خود را به عیث نقاش می‌پندارند و تصویرگران خلق، حتی از تهیه ابزار اولیه برای نقاشی محروم شده‌اند. چرا که این‌گونه ابزار (رنگ، بوم، خمیر و...) تنها در اختیار رنکرزان بیرامون حکومت قرار می‌گیرد و لذا، نقاشی که رابطه حسنه‌ای با حکومت ندارد و حاضر نیست قلمش را برای چهره‌نگاری ملاحظه به کار گیرد، مجبور است با هزینه‌های کُزاف و پامشکلات روزافزون اقدام به تهیه ابزار کار خود کند.

نمایشگاه‌های رسمی و دولتی به جولانگاه به اصطلاح نقاشانی بدل شده‌اند که عمدتاً با الفیای نقاشی هم آشنا نیستند و یا هر آنچه را که می‌دانند مثل مدیحه‌ای به دربار آخوندها هدیه می‌کنند تا بلکه صل و پاداشی دریافت کنند.

امکان به نمایش گذاردن تابلوهایی که کمترین اثری از خواست و اراده مردم را با خود داشته باشند از نقاشان سلب شده است. کُزارشی از ایران حاکی است و

"شرط آن‌ها (حکومت) این است که نمایشگاه‌ها یا در جهت آن‌ها یا به طور کلی منفعلی و خنثی باشند مثلاً طبیعت

بی‌جان و چیزهایی از این قبیل. البته نه اینکه این کارها (طبیعت بی‌جان) بی‌ارزش است. این چنین نیست. اما مادر این دوره اغلب سعی می‌کنیم حال و هوا، فضا و حالت روحی زمانه خودمان را به طور غیر مستقیم نشان بدهیم و به این امر اعتقاد کلی هم داریم. اما همین هم برای آن‌ها قابل تحمل نیست. وضعیت نقاشی فعلی ایران از این قرار است؛ نقاشان مذهبی

طرح نمی‌شود. دولت اقداماتی کرده است که آثار و روان این‌گونه نقاشان در جامعه و مطبوعات منعکس نشود و آن‌ها روز به روز بیشتر در دایره محدود دوستان خود فرو روند و ارزیابی کارهایشان از جنبه مردمی دشوار گردد. ولی عجیب این است که خوشبختانه، اینان با انرژی و پایداری تمام به کار نقاشی و جستجوهای تازه ادامه می‌دهند و به هر

هنر نقاشی در ایران امروز



مشغول کار خودشان هستند و همه چیز در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد و آن‌ها به شیوه‌های عجیب و غریبی متصل شده‌اند که وحشتناک پرت و عقب مانده است. نقاشی‌های این رده به هنر بازاری و سطحی، چه در محتوا و چه در شکل نزدیک شده و اساساً دیگر نمی‌توان آن را در محدوده هنر قرار داد. اما بیشتر از همه رادیو و تلویزیون و مطبوعات برای این نقاشی تبلیغ می‌کنند. اخیراً هم موج منظره‌کشی برآه افتاده و تمام نقاشان بازاری و کوچک منوچهری، ارج و قرب پیدا کرده‌اند و بعضی از نقاشان هنرمند هم به این شیوه متصل شده‌اند. اگر چه بعضی از آن‌ها همین کار را به درستی انجام می‌دهند ولی کیفیت‌های فعال هنری از آن‌ها سلب می‌شود. چند کالری از کالری‌های گذشته باز شده است، اما همه مشغول همین نقاشی‌های خنثی هستند. اخیراً چند نمایشگاه نیز در انستیتو گوته و انجمن فرهنگی ایران و ایتالیا برپا شد.

وضعیت نقاشان مردمی فوق‌العاده دشوار است، صدایشان به کوش افراد زیادی نمی‌رسد و مسائلشان

حال این تنهاراهی است که این‌ها را برای زندگی در شرایطی چنین دشوار زنده نگه می‌دارد.

انحصارطلبی حتی در عرصه نقاشی خشم روشنفکران و در این مورد خاص نقاشان را به شدت برانگیخته است. در دورانی که مکتب‌های نوین نقاشی به کشف و ارائه پنهان‌ترین روابط پدیده‌های انسانی و اجتماعی می‌پردازند و از آن میان مکتب گسترش یابنده رئالیسم سوسیالیستی در نقاشی بر منشا پیدایش آثار جاودان و ارزشمندی شده و می‌شود، رنکرزهای حکومتی یاشبانه با انداختن اسلاید رنگی ملاها بر دیوارهای شهر تهران مشغول رنگ کردن ریش و پشم و عمامه آنان هستند و یا به شکل تهوع‌آوری یا پاشیدن رنگ بر بوم‌ها در جستجوی "سبولیسم رنگ‌ها در تعزیه‌ها" هستند بدین ترتیب رنکرزی‌های نقاشی را گرفته‌اند.

کُزارش دیگری از تهران حاکی است؛ "موزه هنرهای معاصر، نمایشگاه‌های عادی و دائمی خود را دارد. نمایشگاه این بار موزه فوق‌العاده بی‌یروبار بسود و روز به

روز، آثار مربوط به آن دسته از هنرمندان که عمدتاً مربوط به حوزه اندیشه و هنر حکومت اسلامی می‌شوند، بی‌رنگ‌تر و واپسگراتر می‌شوند تا جایی که گذشته از محتوا، دیگر مطلقاً اثری از یک فرم نقاشی خوب و پخته در این آثار مشاهده نمی‌شود. شاید بهترین مثالی که در باره یکی از این برجستگان نقاشی (ناصر پلنگی) می‌توان زد این است که چندی پیش کارهایی در موزه از او به نمایش در آمده که روی کتابهای نقاشی "ارژنگ" و نقاشی‌های خیابان منوچهری را سفید کرده است.

چیز بخشی‌هایی از موزه که به نقاشی قدیم ایران و نقاشی‌های خارجی مربوط می‌شود، موزه فوق‌العاده بی‌خاصیت شده است. با آن‌که نمایشگاه‌ها و دست اندرکاران حکومتی مکرراً از همه نقاشان دعوت به عمل می‌آورند که آثار خود را به نمایش بگذارند، به علت انحصارطلبی حکومت و مسائل شرعی و دیگر مسائل، تعداد نقاشانی که از خود رغبتی برای این کار نشان می‌دهند بسیار کم است. نمونه جالب این موضوع این است که به محض دعوت انجمن فرهنگی ایران و ایتالیا از نقاشان زیر ۴۰ سال برای شرکت در نمایشگاه جمعی، حدود ۲۰۰ نقاش در این نمایشگاه شرکت کرده‌اند، چرا که این جور جاها فضای نسبتاً بازتری از کالری‌ها و موزه‌های دولتی دارند. به‌طور کلی در نمایشگاه‌های نقاشی که دولت برپا می‌کند، رویهم‌رفته آثاری به نمایش در می‌آیند که یا تم‌های مذهبی دارند یا مسائل مربوط به جنگ و دیگر مسائلی را که در حیطه محتوای دولتی می‌کنند بازتاب می‌دهند و یا کلاً آثاری منفعل و خالی از بار اجتماعی هستند. مثل منظره‌ها، پرتره، نقاشی آبستره، طبیعت بی‌جان و از این قبیل."

بدین ترتیب، فقها با تکیه بر زور و تزویر، نهایت کوشش خود را در جهت میراندن هنر نقاشی خالی کردن آن از مضمون اجتماعی به کار می‌بندند. اما در دیگر سو، نقاشانی که دل در گرو مردم دارند، در کنج خانه‌ها و آتلیه‌های کوچک خود به تصویر رنج و شادی انسان، به ثبت خشم و کین مردم علیه حکومت می‌پردازند. بی‌سیب نیست که امروزه بسیاری از علاقمندان به نقاشی انقلابی برای دیدار از تابلوها و آثار اصیل به نمایشگاه‌های خصوصی و حتی آتلیه‌ها و خانه‌های نقاشان مردمی روی آورده‌اند و چنین مکان‌هایی به میدانی برای عرضه آثار ماندنی و پراچ بدل شده است.

شعر معاصر جهان



هرگ

پابلو نرودا

اگر بیکاره نباشی
اگر بیکاره زنده نباشی،
من به زندگی ادامه خواهم داد.

مرا این شهادت نیست
نیست که بنویسم
اگر بهیبر

من به زندگی ادامه خواهم داد

زیرا که آنجا که مردی را آوایی نباشد
آنجاست، آوای من.

آنجا که سپاهان سنگسار می شوند
من نمی توانم مرده باشم.
وقتی برادران من به زندان می روند
من نمی توانم مرده باشم.

وقتی بهیروزی،

نه بهیروزی من،

بلکه بهیروزی بزرگ

در رسد،

حتی اگر لال باشم نباید حرفی بگویم
رسیدنش را خواهم دید حتی اگر کور شوم
نه، مرا بهییش

اگر تو زنده نباشی،

اگر

تو، ای بهار، عشق من،

اگر تو

مرده باشی،

همه برگها به سینه من فرو خواهند ریخت،

شب و روز بر جان من خواهند بارید،

برف قلبم را خواهد سوزاند

با سردی و آتش و مرگ همگام خواهم شد،

باهای من بد آنجا خواهند رفت که تو خفته ای،

اما

به زندگی ادامه خواهم داد،

چرا که مرا بهییش از هر چیز دیگری

سرکش خواسته ای

و بهار، چرا که می دانی که من نه تنها یکی مردم

بلکه تمامی مردمان.

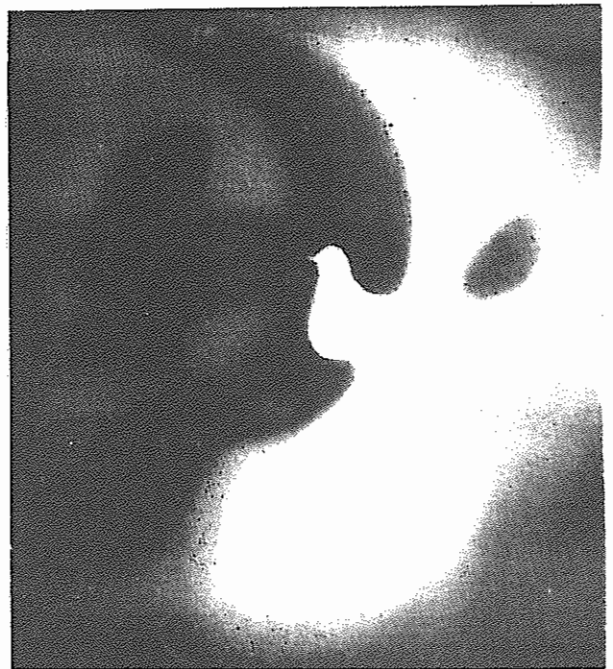
برگرفته از "چهار مجموعه" از اشعار پابلو نرودا،
ترجمه فرهاد غبرائی، انتشارات نهلوفر، تهران
۱۳۶۱

زمین



زمین همواره حسرت بزرگ زندگیم بود. زمانی مرا در چنگ خود داشت. زانده خاک بودم، چونان بیلی و چونان خیشی. رهاییم راندم بود. می گفتم، من دیگر از آن تو نیستم، تو از آن منی! اما دستی دیگر بین من و او حائل شد. زمین از آن من نکشت. زمین مرا از خود راند. حسرتش را در دل گرفتم و آواره گشتم. شهر، ازدهایی فراهم آمده از آهن و سیمان، مرا در کام خود کشید. دندان بر برگ بر آمده دستم نهاد و شیره جانم را مکید. من او را ساختم و برداختم. من او را پروار کردم و به تیمارش نشستم. اما او هر دم حریصانه تر کوشش تنم را خابید. اکنون دیگر مرا رمقی در تن نیست. بر خاک افتاده ام، خسته و درمانده، در کنار عمارتی که منش آید کرده ام. بر خاک افتاده ام، نازمین را حس کنم. هنوز به من نیرو می دهد، نیرو می دهد تا ساعتی دیگر بر خیزم، آجر بر روی آجر بگذارم و با شیره جانم سیمان را بر پولاد پیوند دهم. چشم بر هم نهاده ام و به تکه خاکی می اندیشم که از من نشد. تکه خاکی که از منش ستانند و او بر من خشم گرفت. مرا از خود راند. آری هنوز به زمین می اندیشم. هنوز بیگانه از شهرم و در رویایم روستای تکیده ای در گذر است که هر آن پریده رنگتر می گردد. اکنون دیگر من از کجایم؟ کجاییم من؟ از روستا تنها نشانی از حسرت دارم، نشسته بر دلم، بر جانم. داغی کهنه که بر آن داغهای تازه تر نشسته است. و این زمین است که امروز به من نیرو می دهد. زمانی من می پروراندش و اکنون او نیرویش را در من می دمد. به من نیرو می دهد تا ساعتی دیگر بر خیزم، آجر بر روی آجر بگذارم و با شیره جانم سیمان را بر پولاد پیوند دهم.

صلح و سوسیالیسم



حقوق مادران

در کشورهای امپریالیستی

و کشورهای سوسیالیستی

* از زمانی که حقوق دوران تعطیل برای زایمان زنان در آلمان فدرال از ۷۵۰ مارک در ماه به ۵۱۰ مارک رسیده است، از تعداد مادرانی که بعد از زایمان مدت بیشتری در مرخصی باقی می‌مانند بطور محسوسی کم شده است. طبق خبر منتشره در شماره ۸۶/۵/۲۶ روزنامه سندیکای چاپ و کاغذ، در سال ۱۹۸۵، تعداد ۵۱۷۰۴ مادر کمتر از سال ۱۹۸۲ از این تعطیلات استفاده کرده‌اند.

مادران نه آزادانه، بلکه به دلیل جبر اقتصادی و ترس از دست دادن کار بعد از دو ماه که از زایمانشان گذشت، به سرکار باز می‌گردند. هر چند آنها به زمان بیشتری برای استراحت و نگهداری از نوزادشان نیاز دارند.

* در اتحاد شوروی به تمامی مادران بدون توجه به سابقه کار آنها یا سابقه عضویشان در اتحادیه‌ها، تمامی حقوقشان در دوران حاملگی و استراحت بعد از زایمان پرداخت می‌شود. از سال ۱۹۸۱ دوران تعطیلات بعد از زایمان برای مراقبت از نوزاد تا یک سال افزایش یافته است.

حکایات و روایات

جاناتان سویفت (۱۶۶۷-۱۷۴۵)

جاناتان سویفت، نویسنده "سفرهای کالیبور"، واعظ کلیسای "سنت پاتریک" در دویلین پایتخت ایرلند بود. وی، روزی در باره غرور سخنرانی می‌کرد، و طی آن گفت: "سه نوع غرور مذموم وجود دارد: غرور بابت اصل و نسب، غرور از ثروت، و غرور از استعداد. درباره این سومی، سخنی نمی‌گویم زیرا در میان شما، کسی هست که بدان مبتلاست."

سویفت در سفری به لندن، به اشرافزاده جوانی برخورد که پیوسته از سلسله طولانی نیاکانش تا قرن هشتم سخن می‌گفت. بعدا که از سویفت نثرش را در باره آن اشراف زاده پرسیدند، گفت: "به یک پوته سیب زمینی می‌ماند. با ارزش ترین قسمت او زیر زمین آرمیده است."

جاناتان سویفت بارها با ذکر فقر و مصیبت هم میهنان ایرلندی، خواهان رسیدگی به وضع ایرلند از سوی دولت مرکزی لندن شده بود. هنگامی که وی در لندن نزد مقامات در این باره سخن می‌گفت، به او پاسخ

دادند وی که یک فیلسوف است، باید بداند نیازها را می‌توان از طریق محدود کردن خواستها نیز برطرف کرد. سویفت گفت: "می‌فهمم چه می‌گویید. منظورتان این است که چون کفش نداریم، پاهایمان را قلع کنیم."

جان گی، سراینده اپرای "گدایان" و الکساندر پوپ نویسنده، که از دوستان سویفت بودند، روزی با او در باره زندگی معنوی جامعه انگلیس صحبت می‌کردند. نظر آنها این بود که فقرا، همه چیز کم دارند؛ بورژواها، تحصیلات کم دارند، و اشراف هم عیبشان این است که مدتها فقط با اسب و اسب سواری سروکار داشته‌اند. جان گی افزود بدتر از همه این است که در دریایی از احق‌ها، دیگر وقتی هم که یک نایقه واقعی ظهور کند، نمی‌توان او را تشخیص داد. سویفت با او مخالفت کرد و گفت: "این درست نیست. اگر یک روح واقعاً بزرگ در جهان پیدا شود، از این طریق می‌توان او را بطور قطع شناخت که فوراً همه احق‌ها علیه وی متحد می‌شوند."

دارایی سویفت، اندک بود و با سرعت نگرانی آوری هم کاهش می‌یافت. وی به ناچار به صرفه‌جویی روی آورد و از همه مخارجش کاست. در نتیجه لاغر و لاغر تر شد. روزی دوستش الکساندر پوپ پس از مدتی جدایی، از حال و روز سویفت جوپا گشت. نویسنده پاسخ داد: "وضع من درست مثل یک قالب صابون است. داشما کوچک و کوچک ترمی شوم."

در سال ۱۷۲۷، اسقف "هیبولتر" که به علت موضع ضد ایرلندی مشهور و منفور بود، سویفت را متهم کرد "اوپاش" را علیه وی شورانده است. پاسخ سویفت چنین بود: "بدین منظور نیازی به وجود من نبود. اما اگر بنا بود کسی را علیه شما بشورانم، کاری می‌کردم که به یک اشاره انگشتم، قطعه قطعه‌تان کنند."

بدنبال موفقیت چشمگیر "سفرهای کالیبور" در میان همه افشار مردم انگلیس، از سویفت پرسیدند چگونه می‌تواند ثری بدین زیبایی و روانی بنویسد. وی گفت: "بسیار ساده است. کافی است واژه‌های درست را در جای درست آن بگذارید."

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

بخاطر کاهش قیمت نفت، اعلام کرد که بسمتور تحصیل ارز لازمه باید از پاکستان آموخت. وی چگونگی تامین ارز پاکستان را "نمونه بارز" نامید و گفت: "پاکستان با ۸۰ میلیون نفر جمعیت، سالانه حدود ۶ میلیارد دلار درآمد ارزی دارد که از این رقم حدود ۳/۵ میلیارد دلار آن حاصل دسترنج کارگران پاکستانی مقیم کشورهای خارج است." پیش از جعفری، دیگر مسئولین رژیم نیز طرح تحصیل ارز از طریق فروش نیروی کار کارگران ایران به کمپانی‌های خارجی را مطرح ساخته بودند.

وزیر بارزگانی جمهوری اسلامی "روند کاهش قیمت نفت" را برای کشور مفید اعلام کرد و آنرا شرط هرچه بیشتر شکوفاشدن صنایع و تولیدات نامید. وی نسبت به اینکه روند کاهش جهانی قیمت نفت همچنان ادامه باید تا جمهوری اسلامی ایران موفق به قطع کامل وابستگی به اقتصاد متکی به نفت شود، ابراز امیدواری کرد.

نمونه ای از وضعیت درمان

از سوی مرکز آمار ایران نشریه شناسنامه استان کهگیلویه و بویر احمد در سال ۶۴، منتشر شد. بر اساس گزارش کوتاه مندرج در روزنامه کیهان ۹ تیرماه، استان کهگیلویه و بویر احمد با ۲۹۰ هزار نفر جمعیت

به کمپانی‌های خارجی انطباق دارد.

خاموشی‌های برق افزایش یافت

روابط عمومی وزارت نیرو اعلام کرد که بدنبال خارج شدن یک نیروگاه دیگر از مدار تولید برق، خاموشی‌های برق افزایش خواهد یافت. این خبر در شرایطی منتشر می‌شود که در سطح کشور هر روزه چندین ساعت برق (و آب) قطع می‌شود. وزارت نیرو در اوایل تیرماه سال جاری با صدور اطلاعیه‌ای وعده داده بود که با رفع مشکلات فنی در نیروگاههای سولدر برق، خاموشی برق در بسیاری از نقاط کشور از بین رفته و در تهران نیز به حداقل کاهش خواهد یافت.

اخبار کوتاه

* اطلاعات ۱۴ تیر - یکی از نمایندگان مجلس فاش کرد که طبق آمار بیمارستان قلب، بیست هزار و پانصد بیمار محتاج جراحی قلب در لیست نوبت این بیمارستان قرار دارند.

* روز ۱۷ تیرماه یک بمب ۱۵ کیلوگرمی در یکی از کافه‌های پرجمعیت تهران منفجر شد. گفته می‌شود که ۲۷ تن در اثر انفجار این بمب مجروح شده‌اند.

(مطابق برآورد مرکز آمار در سال ۶۲) تنها چهار بیمارستان و ۱۲ مطب پزشک و دندانپزشک دارد که از آن بین ۲ بیمارستان و ۵ مطب در مرکز استان (شهر باسوج) قرار دارد.

گسترش همکاری اقتصادی جمهوری اسلامی و کره جنوبی

روزنامه اطلاعات مورخ ۱۰ تیرماه به نقل از خبرگزاری "آسوشیتد پریس" و "یوزاپ" خبرگزاری رسمی کره جنوبی گزارش داد که مذاکرات ده روزه هیات اقتصادی جمهوری اسلامی با مقامات کره جنوبی در سئول پایتخت این کشور خاتمه یافته است. ریاست هیات ۱۶ نفره جمهوری اسلامی با "مجتبی خسروتاج" معاون وزارت بازرگانی بوده و اعضای این هیات یموزات مذاکره با مقامات کره جنوبی از تاسیسات اقتصادی این کشور بازدید کرده‌اند. "یوزاپ" خبرگزاری رسمی کره جنوبی محور مذاکرات سئول را بررسی زمینه‌های گسترش همکاری جمهوری اسلامی و کره جنوبی اعلام کرد. جمهوری اسلامی خواهان آن است که کالاهای غیر نفتی نیز به کره جنوبی صادر کند. مقامات کره جنوبی خواستار مشارکت در پروژه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی می‌باشند. خواسته‌های کره جنوبی با سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر "اجاره صنایع و نیروی کار" کشور

در لهستان روند صعودی آغاز شده است

شتاب بخشیدن به رشد کشور خواهد بود، مسئله بر سر تقویت مبانی رشد، احیای توازن اقتصادی و از بین بردن عدم تناسب هاست. از جمله، باید صنایع الکترونیک، الکتروتکنیک، صنایع ابزار دقیق و ماشین سازی و بخشهای معینی از تولید پلاستیک با سرعتی معادل ۱/۵ الی دو برابر سایر صنایع رشد کنند.

کنگره مقرر داشت در سالهای آتی وظایف زیر مهمترین وظایف قلمداد کردند:

— بهبود توزیع مواد غذایی

— بهبود وضع مسکن

— مدرنیزه کردن نظام آموزشی و گسترش پایه‌های مادی آن

— بهبود نظام درمانی و حفظ محیط زیست

— تقویت اصل سوسیالیستی توزیع: هر کس به اندازه کارش.

یاروزلسکی در سخنان خود در کنگره خاطر نشان ساخت در عمل اصل "هر کس به اندازه کارش" اغلب نقض می‌شود. وی در حالیکه نمایندگان کنگره با کف زدنهای ممتد سخنان او را همراهی می‌کردند، اعلام کرد مبارزه قاطعی را علیه افراد مبتلا به آزمندی خرده بورژوازی، دستداران کسب و کار بدون زحمت و کسانی که درآمد خود را از طریق بورس بازی، معامله با ارز و دزدی اموال عمومی بدست می‌آورند، به پیش خواهد برد.

رهبر حزب متحد کارگری لهستان در پایان سخنان خود

گفت: "کنگره دهم، کنگره‌ای عادی است، اما در عین حال، ویژه است. این کنگره در حیات حزب و کشور پایان مرحله‌ای بسیار دشوار را رقم می‌زند و مرحله جدیدی را می‌گشاید. مرحله‌ای که چشم انداز آن را برنامه‌ها تعیین می‌کند."

بقیه از صفحه آخر

سرمایه‌داری به سوسیالیسم بود. حزب متحد کارگری لهستان بر آن است که با آنکه دوره گذار به پایان نرسیده و ساختمان مبانی سوسیالیسم ادامه دارد، دگرگونیهای اجتماعی آنچنان عمیق بوده‌اند که خصلت بازگشت ناپذیری دارند.

در نتیجه مباحث، بخش اقتصادی برنامه حزب کمونیستهای لهستان تدقیق یافت. برنامه، مقرر می‌دارد درآمد ملی تا سال ۱۹۷۰ تا ۷۵ درصد و بازده کار ۶۵ درصد افزایش یابد.

وویخ یاروزلسکی دبیر اول



یک کارخانه تولید کامپیوتر در کراکف

حزب متحد کارگری لهستان در کنگره دهم حزب خاطر نشان ساخت میان نیازها و میزان برطرف کردن آنها، هنوز شکاف وجود دارد که از میان بردن آن، نیازمند افزایش اساسی بنیة اقتصادی کشور است. وی گفت در سالهای آینده، که نخستین مرحله

ددمنشی بی‌حدومرز

بقیه از صفحه اول

سپس فشار را بر روی سرپرستان چند خانواده‌ای متمرکز کردند که فرزندانشان بخاطر فعالیت‌های مبارزاتی تحت پیگرد قرار دارند. در برابر پاسخ رد این افراد در برابر این تلاش‌های وقیحانه، مأمورین دولتی به آنان اولتیماتوم دادند که تا تاریخ معینی باید به هر ترتیبی که شده فرزندانشان را تحویل پاسداران بدهند.

پس از طی مهلت مقرر مأمورین ساواک یک بار دیگر به روستای "داخل" آمده و پس از گردآوری روستاییان، از آن چند خانواده نخبه کار را بر سر و سر کردند. وقتیکه یک بار دیگر با امتناع قاطعانه آنان روبرو گردیدند دست به جنایت مخوفی زدند که نظایر آن را تنها فاشیست‌های هیتلری در سرزمین‌های اشغال شده و متجاوزین در ویتنام مرتکب شده بودند. آنان در برابر دیدگان متحیر روستاییان اسلحه کمری را به سوی چهار تن از والدین که به آنان اولتیماتوم داده شده بود، نشانه رفته و شلیک کردند، که سه تن از آنان جابجا کشته شدند. جنایتکاران در حالی که محل را ترک می‌کردند، روستاییان را تهدید نمودند که چنان سرنوشتی در انتظار همه کسانی خواهد بود که در برابر امهال آنان مقاومت نشان دهند.

این تبهکاری رذیلتی که در سطح منطقه وسیعاً بازتاب یافته است، انزجار گسترده‌ای در میان مردم به بار آورده است و به مقابله نمونه‌ای که عمق ددمنشی رژیم ولایت فقیه را نشان می‌دهد، دهن به دهن بازگویی شده.

واکنش رژیم در برابر مبارزات گسترش یابنده مردم توسل به سرکوب بیشتر و اعمال اختناق ددمنشا نه‌تر بوده است. واحدهای فدایی خلق در کیلان گزارشات بسیاری نیز از درنده خوبی بی‌مثال ایادی اویاش حکومتی- که بطور سیستماتیک عمل می‌کنند - برای ما ارسال کرده‌اند که وحشیگری های نفرات کمیته پاکرآباد رشت نمونه‌ای از آن است. این گزارشات حاکی است که سرکوب مردم توسط پاسداران رژیم پس از ترور ابوالحسن کریمی ایجاد جنون آیزری یافته است. کریمی دادستان سابق این استان بود که در روز ۱۳ فروردین ماه ترور گردید.

در پی این اقدام، چندین اکیب مخصوص تعقیب و بازجویی ساواک خمینی از تهران وارد منطقه شدند. آنها برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و انتقام گیری از آنان، از هیچ دناشتی فروگذار نکردند. یکی از جنایات مخوف آن‌ها کشتاری بود که در یکی از روستاهای لاهیجان بنام "داخل" مرتکب گردیدند.

در پایان خرداد ماه نفرات این اکیب‌ها همراه با جمعی از پاسداران لاهیجان سوار بر اتوموبیل‌های بنز به این روستا رهختند. آنان روستاییان را از خانه و مزرعه بیرون کشیده و در میدان ده گرد آورده‌اند. فرمانده میاجمین با ابراد سخنانی به تهدید دهقانان پرداخت و ضمن آنکه آنان را از همکاری با سازمانهای مترقی برحذر می‌داشت، اعلام داشت که باید در ردهایی فعالین این سازمان‌ها با ساواک خمینی همکاری نمایند. آنان

له‌دوان، هم‌مرزم هوشی‌مین درگذشت

بقیه از صفحه اول

عضویت داشت. وی در سال (۱۹۲۱ هتکامی که عضو کمیسیون تبلیغات کمیته حزبی "باک‌بو" بود، توسط پلیس استعمارگران فرانسوی دستگیر و به ۲۰ سال زندان محکوم شد. له‌دوان چند سال را در سیاهچال‌های هائوی، سان‌لا و جزیره کون‌سون، با "قفس‌های بیر" مشهور آن گذراند.

له‌دوان در پی آزادی از

زندان، فعالانه در ساختمان تشکیلات حزبی ترونک‌یو شرکت جست و در سال ۱۹۲۷، دبیر اول آن شد. دو سال بعد، وی به عضویت کمیسیون دائمی کمیته مرکزی حزب درآمد. له‌دوان در سال ۱۹۴۰، بار دیگر دستگیر شد و به ده سال زندان محکوم گردید. وی پنج سال دیگر نیز در سیاهچال‌های جهنم "کون‌سون" گذراند. له‌دوان با پیروزی

به سمت دبیر کل حزب کمونیست ویتنام انتخاب گردید.

فقدان له‌دوان برای مردم ویتنام و برای جنبش جهانی کمونیستی، ضایعه بزرگی است. اما هم‌زمان او، با الهام از زندگی سراسر پیکارش، راه او را با ساختمان ویتنامی هر چه شکوفاتر ادامه خواهند داد. مبارزاتی که در سراسر جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع می‌رزمند، زندگی و مبارزه قهرمانانی چون له‌دوان را چون شعلی فرا راه خود خواهند داشت.

انقلاب اوت ۱۹۴۵ و تشکیل جمهوری دمکراتیک ویتنام از زندان آزاد شد و به سمت دبیر اول کمیته حزبی "نام‌بو" انتخاب گردید. وی پس از کنگره دوم حزب در سال (۱۹۵۱)، به عضویت دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام درآمد و به مدت نه سال، در رهبری حزب و دولت، دوشادوش هوشی‌مین، رهبر بزرگ خلق، به تلاش خستگی‌ناپذیر پرداخت. له‌دوان در کنگره سوم حزب که در سال ۱۹۶۰ برگزار شد، به عنوان دبیر اول و در کنگره چهارم (۱۹۷۶)

کشورهای آفریقایی، آمریکا و بریتانیا را محکوم می کنند

"پای های حسن نیت" در مسکو

نخستین دور بازیهای ورزشی بنام "حسن نیت"، شامگاه شنبه پنجم ژوئیه با حضور ۱۰۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه لنین مسکو گشایش یافت. این بازیها که در آن سه هزار ورزشکار از همه نقاط جهان شرکت دارند، تا روز بیستم ژوئیه ادامه خواهد یافت. برگزارکنندگان این بازیها عبارتند از شبکه تلویزیونی آمریکایی "تی بی اس"، تلویزیون شوروی و کمیته دولتی ورزش اتحاد شوروی. بیشترین شمار شرکت کنندگان متعلق به ایالات متحده و اتحاد شوروی است که هر یک با ۵۰۰ ورزشکار در این بازیها حضور دارند. ژاپن ۱۰۰ ورزشکار به مسکو اعزام داشته است. ۱۰ کشور آفریقایی در بازیهای مسکو شرکت دارند.

در نخستین روزهای بازیهای حسن نیت، چند رکورد بین المللی شکسته شد. ولادیمیر سالنیکوف شناگر شوروی حد نصاب زمان شای آزاد ۸۰ متر را ۱/۶۹ ثانیه کاهش داد. چکی جوینر از آمریکا در رشته هفت گانه دو و میدانی رکورد جهانی زنان را شکست. کری اسکسبی دونده استرالیایی نیز در رشته راهپیمایی ۱۰ هزار متر زنان رکورد جهانی جدیدی به جای گذاشت. سرگئی بوبکا از اتحاد شوروی در پرش با نیزه رکورد جهانی خود را یک سانتیمتر بهبود بخشید.

بازیهای مسکو، با شعارهایی در دفاع از صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز ملل انجام می گیرد. دولت ریگان تلاش زیادی کرده است تا نگذارد ورزشکاران درجه اول آمریکایی در این بازیها شرکت جوینند. از جمله، در رشته مشت زنی، سربازان ارتش که بخشی از تیم آمریکا را تشکیل می دادند، از سربزه مسکو منع شدند، اما نتایج درخشان رقابت ورزشکاران در مسکو، بی ثمر بودن اقدامات دولت آمریکا علیه این بازیها را نشان داد.

اخبار کوتاه

* محمد نجیب الله دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان در دیداری با نمایندگان استان بدخشان گفت شتاب بخشیدن به رشد مناطق دوردست و عقب افتاده کشور، از اهداف اصلی انقلاب است. وی افزود علیرغم شرایط دشوار ناشی از جنگ اعلان نشده امپریالیسم و ارتجاع، حزب و دولت نسبت به کمک رساندن به مناطق دوردست، از جمله بدخشان، اقدام خواهند کرد.

* تلاش "آرتورو تولنتینو" سناتور سابق و کاندیدای مارکوس برای احراز مقام معاونت رئیس جمهور فیلیپین، برای تشکیل دولت که با حمایت بخشی از نیروهای مسلح صورت گرفت، با شکست مواجه شد. این تلاش، نقطه اوج فعالیتهای طرفداران مارکوس از هنگام سرنگونی رژیم وی تاکنون بود. تولنتینو در "دولت" خود مقام وزارت دفاع را به انریله وزیر دفاع مارکوس و آکینور رئیس جمهور کنونی داد.

* دوازده تن از زنانی که به عنوان زندانی سیاسی در زندانهای کره جنوبی به سر می برند، جمعه گذشته دست به اعتصاب غذا زدند تا علیه رفتار غیر انسانی در زندانهای رژیم دیکتاتوری "چون دووان" اعتراض کنند.

تحریم علیه رژیم آپارتاید را محکوم کرد و گفت این موضع، عادی شدن اوضاع در آفریقای جنوبی را به تعویق می افکند.

"کوستو"، بزرگترین اتحادیه سندیکایی آفریقای جنوبی، برای روز دوشنبه چهاردهم ژوئیه (۲۳ تیر) دعوت به اقدامات سراسری اعتراضی کرده است. این اقدامات، پاسخی به برقراری حکومت نظامی و بازداشت نزدیک به ۶ هزار تن از مین پرستان کشور و از جمله ۱۵۰۰ فعال سندیکایی است. در آفریقای جنوبی از هنگام اعلام حکومت نظامی تاکنون، ۲۴۰۰ تن ناپدید شده اند.

تشدید سرکوب نتوانسته است اعتصاب کارگران معادن آفریقای جنوبی علیه بازداشت فعالین سندیکایی این کشور را به شکست بکشد. شمار اعتصاب کنندگان هفته گذشته به ۱۲ هزار تن رسید.

شیلی: ادامه مبارزه پس از اعتصاب سراسری

که حتی اعضای واحدهای ویژه پلیس در هنگام اعتصاب عمومی از اپوزیسیون حمایت کردند. در کنفرانس مطبوعاتی سانتیاگو اعلام شد حزب کمونیست شیلی روی کار آمدن یک دولت نظامی بدون پیوندی را ممکن می داند و معتقد است این امر می تواند راهی در جهت بازگشت به دمکراسی باشد.



در تشییع جنازه دانشجوی ۲۲ ساله ای که طی اعتصاب عمومی بدست ارتش پلیس به قتل رسید، نیروهای سرکوبگر پیونوشه بار دیگر به خشونت متوسل شدند.

دهد ارگار باچف - میتران

شوروی انجام دهند. رهبران شوروی و فرانسه در مسائل مربوط به خلع سلاح، موشکهای میان برد در اروپا و منظور داشتن موشکهای فرانسوی در مذاکرات مربوطه، مواضع متفاوتی اتخاذ کردند و میتران حاضر نشد مذاکره بر سر کاهش پتانسیل موشکی میان برد فرانسه را بپذیرد. اما رئیس جمهور فرانسه در پایان دیدارش از مسکو پیشنهادهای میخائیل گارباجف در زمینه خلع سلاح را بسیار جالب قلمداد کرد. همچنین اتحاد شوروی و فرانسه در بیانیه مشترک خود با اشاره به قراردادهای "سالت ۲" و "ای. بی. ام" که دولت ریگان نقض آنها را هدف قرار داده، خواهان رعایت این دو قرارداد شدند.

کنت کائوندا رئیس جمهور زامبیا طی یک کنفرانس مطبوعاتی در لوزاکا اظهار داشت خودداری ایالات متحده و بریتانیا از مراقت با برقراری مجازاتهای اقتصادی علیه رژیم آپارتاید، نشانگر سیاست نژادپرستانه واشنگتن و لندن در قبال مردم آفریقا است. وی تاکید کرد دولت‌های غربی در مقابله با آفریقایی‌ها، همدست رژیم نژادپرست پرتوریا هستند. کائوندا خاطر نشان ساخت جنایات رژیم پرتوریا در ردیف جنایاتی است که هیتلر مرتکب شد، و افزود آپارتاید و نازیسیم از یک جوهرند، و با این حال، غرب به جای کمک به مبارزه با سیاهپوستان، به سیاست "مشارکت سازنده" خود با حکومت نژاد پرست آفریقای جنوبی ادامه می دهد.

آلفرد نرو، دبیر کل کنگره ملی آفریقائیز که در همین کنفرانس مطبوعاتی سخن می گفت، خودداری مارکارت تاجر نخست وزیر بریتانیا از برقراری

در شیلی، پس از پایان اعتصاب سراسری روزهای دوم و سوم ژوئیه نیز اقدامات اعتراضی مردم علیه رژیم پیونوشه ادامه یافت. در تشییع جنازه بکا دانشجوی ۲۲ ساله که در روز اول اعتصاب به قتل رسیده بود، ۲۰۰۰ تن شرکت کردند. پلیس با گاز اشک آور به این تشییع جنازه حمله ور شد.

دو تن از اعضای رهبری حزب کمونیست شیلی هفته گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی مخفی در سانتیاگو شرکت کرده و به سؤالات خبرنگاران خارجی پاسخ گفتند. آنان اظهار داشتند اعتصاب سراسری دوم و سوم ژوئیه، وسیع ترین اقدام افشار گسترده مردم از ۱۲ سال پیش بدین سو بوده است، تاحدی

در لهستان روند صعودی آغاز شده است

امپریالیسم و ضد انقلاب با شکست مواجه شد. اقتصاد لهستان، که در دهه ۷۰ به علت بروز اشتباهات و انحرافات تضعیف شده بود علاوه بر آن، از اعتصابات پیاپی و آثار تحریم اقتصادی غرب رنج می برد، به تدریج به مسیر عادی خود بازگشت. بازار داخلی احیا گردید، در مبارزه با تورم موفقیت‌هایی به دست آمد. چهره‌پندی مواد مصرفی به تدریج برطرف گردید.

البته مقامات لهستان تاکید می‌کنند موقعیت اقتصادی کنونی هنوز ارضای کامل افکار عمومی، به ویژه در میان کارگران را تضمین نمی‌کند، اما اجازه می‌دهد تا به مسئله مهم بازگشت به روند رشد موزون اقتصادی پرداخته شود.

کنگره دهم وظیفه داشت تحلیلی از این مرحله نوین ارائه دهد. از این رو، اشرار گوناگون جامعه لهستان علاقه زیادی به بحث پیرامون طرح برنامه جدید حزب متحد کارگری که از ماهها پیش از برگزاری کنگره انتشار یافته بود، نشان دادند. بیش از ۲ میلیون فرد حزبی و غیر حزبی در این میاحث شرکت جستند.

در برنامه جدید حزب آمده است طی ۴۰ سال گذشته، مبنای استواری برای استقلال و امنیت کشور ایجاد شده و عقب ماندگی اقتصادی لهستان برطرف گردید. این دستاوردها، کام مهمی در گذار از بقیه در صفحه ۱.

مانگونه که در شماره پیشین اکثریت گزارش دادیم، در روز پنجشنبه سوم ژوئیه دهمین کنگره حزب متحد کارگری لهستان در ورشو به کار خود پایان داد. بیش از ۱۷۷۰ نماینده، در این کنگره برنامه حزب و تغییرات در اساسنامه آن را مورد تصویب قرار دادند.

کنگره دهم حزب متحد کارگری لهستان، جلوه‌بارزی از تثبیت اوضاع این کشور بود. کنگره، پنج سال پس از تشکیل نهمین کنگره (فوق‌العاده) کمیستهای لهستان برگزار شد. هنگام برگزاری کنگره نهم، کشور دستخوش اعتصابات پیاپی و بی دلیل بود. رهبران ضد انقلابی اتحادیه "همبستگی" که در آغاز با شعار "سوسیالیسم آری، مسخ آن نه" اعتماد کارگران را جلب کرده بودند، رفته رفته اهداف خود را بطور علنی اعلام می‌کردند و مخالفت خود را با سوسیالیسم عیان می‌ساختند. در برابر کنگره نهم، وظیفه مبرم تعیین اهداف سیاسی حزب قرار داشت. کنگره پدین نتیجه رسید که باید روند بازسازی سوسیالیستی آغاز شده و همه نیروهای میهن پرست را متحد نمود. کنگره نهم مقرر داشت حزب با تمام قوا از سوسیالیسم در لهستان دفاع به عمل آورد.

حزب متحد کارگری لهستان موفق شد تصمیمات کنگره نهم را تحقق ببندد. طی پنج سال گذشته، تلاشهای

"حرف آخر را چه کسی می‌زند؟"

جامعه و مدیریت را ببوشاند. معلوم نیست حرف آخر را چه کسی می‌زند؟" بحران همه جانبه اقتصادی اجتماعی، و درماندگی رژیم فقها در مقابل آن، و طرد و نفی جمهوری اسلامی توسط مردم، اختلافات و شکافها در میان حکومتیان را آنچنان عمیق ساخته است که دیگر هیچکس نمی‌تواند حرف آخر را بزند. خمینی نیز که با نشان دادن خطر انقلاب و تاکید بر نکات وحدت جناحها همیشه اعتصام به حیل الله را طلب می‌کرد هر روز نفوذ کلامش در میان طرفدارانش کمتر و کمتر می‌شود.

محتشمی که پس از ناطق نوری اداره وزارت کشور را برعهده گرفته است تلاش می‌کند نزدیکان و افراد مورد اعتماد خویش را یکی یکی جایگزین موره‌های ناطق نوری سازد. محتشمی که از نزدیکترین وزرای کابینه به موسوی نخست وزیر است، تاکنون تعداد زیادی از استانداران، فرمانداران و بخشداران منصوب ناطق نوری را برکنار کرده است. طرف مقابل نیز که اهرمهای نیرومندی را در اختیار دارد عملاً منصوبین محتشمی را به مهره‌هایی بدون قدرت تبدیل کرده است. جلسات متعدد هماهنگی بین منصوبین و مسئولین دولتی با "امامان جمعه و جماعات" وسایر دوایر قدرت در جمهوری اسلامی نیز تاکنون مثمر ثمر نبوده اند.

دعوا بر سرفدرت و فرصت وامکان غارت در جمهوری اسلامی، هر انتصابی را تنها پس از کشمکش‌های طولانی امکانپذیر می‌سازد. درجه اهمیت پست مورد دعوا در ماهیت امر تغییری پدید نمی‌آورد، تنها میزان حساسیت و نیرویی را که هر یک از دسته‌بندی‌های حکومتی وارد میدان می‌کنند تعیین می‌نماید. در انتصاب‌هایی نیز که ظاهر آرایه آرامی و پاتغام کامل صورت می‌گیرد نیز باید کشمکش طولانی قبل و درگیری و اختلال و پیاکوت بعد از آن را انتظار داشت. از موارد حاد این دزگیریها کشمکش بر سر استانداران جدید است.

روزنامه اطلاعات ۹ تیرماه، خبر از برکناری استاندار فارس توسط محتشمی وزیر کشور و انتصاب استاندار جدید برای این استان را دارد. در خبر می‌زور آمده است "وزیر کشور پس از ورود به شیراز... با شرکت در جلسه شورای اداری استان، سنن قدردانی از خدمات برادر نقره کار شیرازی استاندار سابق فارس برادر نجفی علی‌رأیه عنوان استاندار جدید فارس معرفی کرد." که ظاهراً نشان از یک انتصاب توافق شده دارد اما در مقاله همین شماره اطلاعات آمده است "نمونه دیگر تعیین استاندار فارس و برخورد یکی از روزنامه‌ها، این‌ها سوختنیار جو هستند، و اقداماتی از این دست باعث می‌شود که نوعی ابهام و غبار، چهره

نقشی از یک جنایت

نمونه‌ای از کار بست دستورات خمینی درباره زنان

نشسته است که ناشی از پیرو شده شدن در سیستم گندیده ولایت فقیه است. هر بار مردم جهان اعمال کسانی را از پیروندگان جمهوری اسلامی، در خارج از کشور مشاهده می‌کنند و بیشتر در می‌یابند که چه هیولاهائی با چه باورهای کراهت باری در میهن ما حکومت می‌کنند. در اکثریت شماره ۹۹ نوشته بودیم که وقتی مردم بریتانیا دریافتند کسی از منصوبین رژیم دختر بچه ای را بعنوان مسریا خود به این کشور آورده است چگونه خشم و انزجار خود را بیان داشتند. آن یک نمونه بود. از این نمونه‌ها بسیار می‌توان نوشت. نمونه دیگر را اخیراً هواداران سازمان از هندوستان به بقیه در صفحه ۲

رژیم ولایت فقیه را افکار عمومی جهان در حکم دمل عفونت باری بر پیکر بشریت می‌شناسند. در رسوا ساختن این رژیم ننگین، افشاکری گسترده نیروهای مترقی ایرانی و احزاب و سازمانهای پیشرو جهان نقش بی بدیلی ایفا کرده است. اما گذشته از این نمایندگان و وابستگان این رژیم در خارج از کشور نیز خود با رفتار و کردار نفرت انگیزشان نتوانسته‌اند، گوشه‌هایی از کراهت ذاتی این رژیم سیاه را به جهانیان شناسانند. این موجودات علاوه بر فساد متعارف هر وابسته یک رژیم پاسدار ناپرابری طبقاتی، از قبیل دزدی، آژمندی، جاه طلبی، زدو بند و... فساد خود ویژه‌ای در چاشنان



ایستگاه راه آهن مرکزی ورشو

AKSARIYAT
NO. 115
MONDAY JUL 14, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!